

حزب کمونیست مصر و صدمین سال انقلاب اکتبر.....	صفحه ۸	در جنبش جهانی کمونیستی.....	صفحه ۱۶
تشدید تضادها بعد از بروز بحران جهان امپریالیستی.....	صفحه ۹	هان جنبشی از خویش که نیروی سرانید!.....	صفحه ۱۶
آموختن از روزگار، نه به انتخابات و شرکت نکردن در آن است!.....	صفحه ۱۰	پیرامون پدیده ترامپ و چرایی و چگونگی فراز جنبش مقاومت در مبارزه علیه آن.....	صفحه ۱۶
ضرورت در هم شکستن استعمار پُست مدرن.....	صفحه ۱۱		

پرچم سرخ مبارزاتی اول ماه مه رهنمون اتحاد جهانی طبقه کارگر است

انقلاب همه ی انقلابیون را با آمدنش انگشت به دهان خواهد کرد

صدای پایش از دور به گوش می رسد، چیزی که سال هاست در انتظارش بودیم اما کابوس کشتار ده ی شصت، خیانت های رهبران جنبش های مقاومت اصلاح طلبی و تسلیم شدنشان در هنگامی که توده ها کل نظام را زیر سوال می بردند، نبود تشکل های سراسری مستقل کارگری و از همه برجسته تر نفاق و چند دستگی در جنبش چپ و کمونیستی باعث می شد و هنوز هم می شود که با تردید به آهنگ آمدنش گوش کنیم. عادت کرده ایم از شکست ها حرف بزنیم، از شکست انقلاب پنجاه و هفت، از کشتار سال شصت هفت و ده ی شصت، به اشتباهات نه برای یادگیری و پرهیز از آنها در آینده بلکه برای نفی و در خدمت بی عملی و انحلال بقیه در صفحه پنجم

نظامی گیری جهان را در می نوردد

در دو هفته گذشته آمریکا با دهها موشک یک پایگاه نظامی سوریه را مورد هدف قرار داد انهم با بهانه کاملاً واهی استفاده اسد از سلاح های شیمیایی. بسیاری از مجیزگویان بورژوازی امپریالیستی از غیر قابل پیش بینی بودن شخصیت و تصمیمات ترامپ سخن به میان آوردند. بمباران سوریه موضوعی کاملاً قریب الوقوع به نظر می رسید. بخاطر آنکه تضادهای قطب های مختلف امپریالیستی آنچنان شدت گرفته است. که همه نیروهای بزرگ جهان در حال گشودن زرادخانه های خود بوده و یک دم از تهدید و رجز خوانی علیه یکدیگر غافل نیستند. طی چند ماه گذشته دهها مانور نظامی از دریای چین تا کره شمالی، روسیه، آمریکا و اروپا و... با متحدین بالفعل و بالقوه شان انجام شده بقیه در صفحه ششم

اول ماه مه، روز جهانی مبارزات متحد کارگران و زحمت کشان را به این سازنده گان

اصلی تاریخ و پیشرو کنونی تیریک می گوئیم. این روز پرافتخار جهانی کارگر، صف متحد استثمار شده و ستم دیده گان سراسر کشورها را برای ویران کردن نظامهای بربرمنشانه ی کنونی به سوی سوسیالیسم فرا می خواند. ۱۲۸ سال از اعلام ۸ ساعت کار در روز گذشته و باوجود رشد عظیم تولید و بارآوری نیروهای کار و زحمت، هنوز نظام سرمایه داری و در راس آن امپریالیستها تن به کم کردن ساعات کار - حتی ۶ ساعت در روز - نداده و چنان شرایطی به وجود آورده اند که کار بیشتر ۴۰ ساعت در هفته را به کارگران تحمیل کرده و بقیه در صفحه دوم



به رفقای کارگر ایران

نظام خون آشام، نیازمند صفحه ی مبارزاتی آگاه، پیشرو و مبارز جدید سیاسی و تشکل یابی است که طبقه کارگر نیروی تعیین کننده ی آن می باشد. طبقاً تحقق تغییر این دوران نکبت بار جهانی امروز و رهائی از نظام مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله، بدون انسجام نظری و تشکیلاتی تراز نوین در قامت تشکلهای انقلابی و مبارزه جوی حزبی و مطالباتی شان در کلیه کشورهای جهان تحقق نخواهد یافت. در این راستا شناخت دقیق علل مبارزات پیروز و یا شکست خورده ی کارگران آگاه جهان، اهمیتی تعیین کننده ای برای گام گذاشتن به سوی پیروزی طبقه کارگر جهان دارد. می دانیم که جمع بندی علمی مبارزات کارگران جهان با رشد و همه جانبه تر شدن این تجارب در عرصه های ایدئولوژیک - اقتصادی - سیاسی - تشکیلاتی - سبک کاری - نظامی و... اساساً با شرکت در این مبارزات، بقیه در صفحه دوم

اول ماه مه روز جهانی کارگر ۱۲۸ سال پیش به مناسبت بزرگداشت جانباخته گان کارگر نساجی شیکاگو در مبارزه برای کسب ۸ ساعت کار در روز، تبدیل همبستگی مبارزاتی کارگران جهان درکنگره بین الملل کارگری دوم (۱۸۸۹) به تصویب رسید. تا با این تصمیم، برافراشته نگهداشتن پرچم سرخ خونین کارگران جهان، درگرامی داشت مبارزات کارگری، زمینه ای در راستای تحقق شعار «کارگران همه کشورها، متحد شوید»، قرارگیرد. این روز جهانی کارگر را به تمامی کارگران جهان و ایران تیریک می گوئیم.

در شرایطی که نظام استثمارگر و ستمگر سرمایه داری برای حفظ حاکمیتش در چپاول اکثریت عظیم نیروی کار جهان، بربریت کامل را به اجرا گذاشته است. انباشت ثروت درمشت کوچکی از صاحبان سرمایه و فقر درانبوه میلیاردها نیروی کار را درحاکمیت این نظام شاهدیم. تغییر این

پرچم سرخ مبارزات اول ماه مه ...
بقیه از صفحه اول

در جهنمکده ی بازار کارایران، کارهای دوشیفی ناشی از استیصال روح یافته است. نظام ضد کارگری و ضد دموکراتیک سرمایه داری - اسلامی ایران، عدم پرداخت به موقع مزد کارگران و حتا به زیر ۵ برابر حداقل سبد زندگی خانواده های کارگری (۹۳۰ هزار تومان در ماه)، آن هم معوقه طی ماهها که در واقع به بیش از ۷ برابر زیر حداقل مزد های پرداختی رسانده، محنت و زجر و گرسنه گی کشیدن زیر دیکتاتوری اقلیت حاکم سرمایه دار را به بیش از ۷۰٪ از مردم تحمیل کرده است.

این نظام حق تشکل یابی کارگران را حتا در سطح سندیکائی به رسمیت نشناخته و دیکتاتوری دولت سرمایه داری را در تحقیر، دستگیری، شکنجه، زندان و زجر کش کردن کارگران و زحمت کشان مبارزان سربلند، به امری روزانه تبدیل کرده است. اما کارگران سر تسلیم شدن به این قلدری نداده اند.

این غارت گران نظیر دزدان افسانه ای، در بیکار سازی حتا تا سطح تحصیل کرده گان، تحمیل کار کودک، تحمیل فحشاء به زنان فقیر و زحمت کش و تبدیل به کالا نمودن زنان صیغه شده در پناه امام رضا، موج اعتراضی وسیعی را برانگیخته است. این اعمال ضد انسانی نشان داده اند که حاکمان نظام سرمایه داری فاسدترین، بی اخلاق ترین، بی وجدان ترین و وحشی ترین عناصر انسان نما می باشند.

امپریالیستها در طی یک سال گذشته علیه طبقه کارگر و خلق های زحمتکش جهان بیکار ننشسته و با براه انداختن حمام های خون در سوریه، یمن و عراق و بمب گذاری ها در بین مردم بی دفاع چهره پر از فریب و نیرنگ حقوق بشر و دموکراسی بورژوازی را به نمایش گذاشتند.

برای پاک سازی این حبله گریهای سرمایه داران اسلام نما، هیچ راهی جز متشکل و متحد شدن کارگران و زحمت کشان - اعم از کارگر، معلم، پرستار، بازنشسته، دانشجو، بی کار، هنرمند، نویسنده، روزنامه نگار و دیگرانی که صاحب ثروت و استثماری نبوده و کار ییدی و فکری آنان را سرمایه داران ارزان می خردند و آلوده به دفاع از این حاکمان نیستند - در این روز تاریخی، چاره دیگری نیست.

به این اعتبار باید در میان تشکلهای سندیکائی کلیه عوامل رسوای مدافع حاکمان و فرقه گرائی برخاسته از دیدگاه تنگ نظرانه خرده

بورژوائی مانع از اتحاد کارگران و زحمت کشان، طرد شوند تا با پرچم مبارزاتی وحدت طلبانه ی بدون مماشات گری با حاکمان و کارفرمایان، گامی قاطع در رهائی از این جهنم واقعی موجود برداشته شود.

رهائی طبقه کارگر و زحمت کشان بدون ایجاد تشکلهای مطالباتی توده ای، بدون ایجاد حزب کمونیست انقلابی در پیوند فشرده با طبقه کارگر به ویژه با شرکت وسیع فعالان کارگر کمونیست در این کارزار، بدون ادامه مبارزه تا به آخر از طریق انقلاب کارگری و سرنگون ساختن نظام سرمایه داری، بدون سلب مالکیت خصوصی وسایل تولید و مبادله و تبدیل آن به مالکیت عمومی و برقراری دولت کارگری، هیچ گاه متحقق نخواهد شد.

به این اعتبار در تظاهرات اول ماه مه، با حرکت متحد برای دریافت به موقع مزد واقعی - نه بر اساس حداقل و پائینتر از آن - بلکه پایان دادن به بیکارکردنها، دسترسی پیوسته به بیمه بهداشتی، قطع دست دخالت مذهب در امور تدریس در مدارس، نه به انتخابات مجدد دزدان به مجلس خدمتکار نظام سرمایه داری، پایان دادن به کلیه قوانین اسلامی و مردسالاری ضد زنان، مبارزه برای تحقق برابری زنان و مردان در کلیه امور اجتماعی، دفاع از آزادی بدون قید و شرط کارگران و زحمت کشان زندانی، آزادی زندانیان سیاسی، ویران کردن نظام قضائی قرون وسطائی مامور حکم اعدام دادن تا حد نوجوانان، آموزش مجانی در کلیه مدارج تحصیلی، تامین مسکنهای بهداشتی شایسته انسانیهای کار و زحمت و ... از جمله خواستهای به حقی است که در اول ماه مه این خواستها در تمامی ایران به پرچم متعالی انسانیهای پیشرو کارگر و زحمت کش تبدیل شوند تا در قلب کلیه مردم - از جمله ملل تحت ستم و دگر اندیشان مذهبی تحت ظلم و ستم - نشسته و متحقق گردند.

گرامی باد ۱۱ اردیبهشت - اول ماه مه روز جهانی پرافتخار کارگران سراسر جهان

مرگ بر نظامهای مختلف سرمایه داری، دشمنان طبقه کارگر جهان

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم،

رهائی بخش انسانیهای کار و زحمت

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

حزب رنجبران ایران

اول اردیبهشت ۱۳۹۶



به رفقای کارگر ... بقیه از صفحه اول
توسط مارکس و انگلس، لنین و مائو به صورت کمونیسم علمی تئوری راهنمای شرایط رهائی طبقه کارگر در اختیار تمامی بشریت پیشرو جهانی قرار گرفت. بدون آموزش اصول کمونیسم علمی، بدون تلفیق آن با شرایط مشخص مبارزات طبقه کارگر در ایران، بدون محکم به دست گرفتن این نورافکن پرقدرت روشنی بخش راه پرپیچ و خم مبارزه، حرکت پیروز مبارزاتی کارگران، در مسیرهای پیش روی نا کجا آباد قرار گرفته، سایه و روشنهای چپ و راست زندها ظاهر شده و نتیجه اش با درجا زدن از پیشروی تند وار مبارزه پیروزمند باز خواهند ماند. تاریخ مبارزات کارگران جهان دیدگاههای درست و نادرست را آشکار ساخته و حرکت کورکورانه کارگری را مردود دانسته است:

عدول از آموزه های کمونیسم علمی در عمل توسط تجدیدنظرطلبان کهنی از رهبری حزب سوسیال دموکرات آلمان - برنشتاین و کائوتسکی - که نفوذ قابل ملاحظه ای در درون جنبش کارگری آلمان داشتند، پشت کردن به آموزشهای طبقاتی این تئوری انقلابی مارکسیستی در آلمان، وحدت مبارزاتی انقلابی طبقه کارگر جهانی را به سطح حرکتهای رفرمیستی، دفاع از جنگ طلبی امپریالیسم، همکاری با و شرکت در دولت آلمان و ... تقلیل دادند. این سیاستهای سازشکارانه با نظام سرمایه داری تکامل یافته امپریالیستی، به تفرقه مبارزاتی بزرگی در صف کارگران کشورهای امپریالیستی انجامید که تا امروز هم کارگران نتوانسته اند از تحت نفوذ احزاب سوسیال دموکرات بودن و از رفرمیسم بریده و مبارزه طبقاتی انقلابی کارگران را سازمان دهند.

در مقابله با این انحرفات با مبارزات اصولی کمونیستی حزب بلشویک روسیه و بی امان تحت رهبری لنین، در دفاع از تئوری انقلابی کمونیستی و افشای رویزونیستهای کهن، چنان اثر متحد کننده و مبارزه جویانه را در میان کارگران روسیه و جهان به جا گذاشت که منجر به پیروزی انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷ با خون سرخ کارگران و زحمت کشان روسیه شد و در عین حال پرچم وحدت کارگران جهان را برافراشت. احزاب کمونیست تازه تشکیل شدند جهان انقلابی کارگری در زیر آموزه های «انترناسیونال کمونیستی» (۱۹۱۹) گردیدند و با مبارزه با رویزونیسم کهن احزاب سوسیال دموکرات، برای تامین وحدت

زنده باد اول ماه می (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی همبستگی مبارزاتی طبقه کارگر



کارگران هرچه گسترده درجهان به فعالیت پرداختند.

اما پس از این پیروزی درخشان و شروع ساختمان سوسیالیسم در شوروی، بقایای طبقات استثمارگر و ستمگروسیه، سیاست «فتح دژ حزب کمونیست شوروی از درون» را در توطئه چینی و نفوذ در تخریب آن، مبارزه ی پیچیده ای را در پیش گرفتند. با دیدی دراز مدت تدریجا عوامل بورژوائی و خرده بورژوائی در درون حزب کمونیست شوروی، نفوذ کردند و بدین ترتیب دومین ضربه به راه پیمائی ظفرمند قطب جهانی کارگری توسط این عوامل تجدیدنظرطلب مدرن بورژوائی در قدرت در شوروی سوسیالیستی تحت رهبری نظرات انحرافی خروشچف - برژنف، بزرگ ترین تفرقه را در جنبش کمونیستی جهان به وجود آوردند تا از پیشروی با ابهت نظام سوسیالیستی درجهان باز دارند.

مبارزات بی امان حزب کمونیست چین با تلفیق کمونیسم علمی با شرایط مشخص چین، با رهبری طبقه کارگر چین انقلاب دموکراتیک نوین در اکتبر ۱۹۴۹ و سپس گذار به ساختمان سوسیالیستی، قطب سوسیالیسم کارگری را درجهان نیرومند ساختند. با روبه رو شدن با واقعه تلخ کسب قدرت دولتی در شوروی از ۱۹۵۶ به بعد توسط رویزونیستهای مدرن در قدرت دولتی، حزب کمونیست چین تحت رهبری مائو مبارزه با رویزونیسم مدرن و افشای مواضع ضدپرولتری اینان را به عهده گرفت. ادامه دادن به مبارزه طبقاتی با بقایای طبقات ارتجاعی در چین و از جمله دست زدن به انقلاب فرهنگی، تحکیم سوسیالیسم را در چین در پیش گرفت. به علاوه در ایجاد وحدت اصولی با احزاب کمونیست و سازمانهای تازه تشکیل شده تلاش نمود تا اتحاد ضربه خورده کمونیستهای جهان را احیا نماید. درعین حال کمک دولت کارگری چین به جنبشهای رهائی بخش ضد امپریالیسم - فنودالیسم - بورژوازی وابسته در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره مبارزات مسلحانه پر قدرتی در این کشورها آغاز شد که به استقلال سیاسی رسیدند. اعتبار کمونیستها درجهان، علیرغم دروغ گوئی و سیاه نمائی کشورهای سوسیالیستی، بار دیگر قدرت گرفت.

اما ضدانقلاب از تخریب نومید نشد. مبارزه بین دوخط مشی پرولتری و رفرمیستی در درون حزب کمونیست چین نیز بشدت ادامه یافت. رویزونیستهای مدرن در قدرت در شوروی به یاری رویزونیستهای چینی

معروف به سه جهانیها پرداختند و شرایط بغرنجی را در پیشروی مدافعان اصول کمونیستی در چین فراهم نمودند.

در حزب کمونیست چین تحت رهبری لیوشائوچی و تن سیائوپین ضربه دیگری در تغییر دادن ماهیت انقلابی این حزب به وجود آمد. فعالیتهای افتخارآمیز این حزب تحت رهبری مائو تسه دون در مبارزه علیه رویزونیسم مدرن و پیشبردن مبارزه طبقاتی در تعمیق سوسیالیسم در چین، برباد داده شد. مشخصه ی کلیه ی این پروژات رویزونیستی عدول از پیش بردن مبارزه طبقاتی در پر تو کمونیسم علمی بود. بدین ترتیب بروز تفرقه در درون جنبش کمونیستی جهانی که ناشی از عدول از اصول کمونیسم علمی بود، ضربه سخت دیگری وارد نمود.

اما علاوه بر این سه انحراف بزرگ، انحرافات دیگری در عرصه ی دکماتیسم، اپورتونیسم راست و چپ، فرقه گرائی، انحلال طلبی تشکیلاتی در لفافه پلورالیسم و نفی حزبیت پرولتری، اکونومیسم و دنباله روی از جمله انحرافات دیگر نیز به مثابه عوامل نامساعد غیر عمده که با کف زندهای بورژوائی و خرده بورژوائی همراه شده اند، نفی کامل دست آوردهای طبقه کارگر جهانی را در مبارزاتش در پیش گرفتند تا بتوانند به تضعیف حرکت انقلابی کارگری جهان در ۱۰۰ سال اخیر در تحت هدایت کمونیسم علمی، نیز بپردازند. هم اکنون در خود ایران نیز جنبش انقلابی کارگران با اخلاهای فوق الذکر تله گرایشات فرقه گرا در آموختن و پیاده کردن اصول کمونیسم علمی با تلفیق آن با شرایط مشخص، با این اخلا گریها به وحدت کارگری و کمونیستی نایل نشده اند. مع الوصف بخش کوچکی از کارگران کمونیست در خروج از این بن بستهای پدیدآمده تلاشهای ارزشمندی را پیش می برند. چه باید کرد؟ جنبش کارگری در ایران طبق آموزش کمونیسم علمی در ایجاد حزب کمونیست انقلابی و سازمانیابی مطالباتی در سطح سندیکاها و به طریق اولی در سطح ایجاد فدراسیونهای سراسری برای هماهنگ نمودن مبارزات سیاسی و اقتصادی، به قول رفیق کارگر کمونیست مبارز جانباخته شاهرخ زمانی از نان شب واجب تر است، تنها راه می باشد. در این موارد عدم توجه به مبارزه ای جدی علیه گروهی گری ها و فرقه بازی ها و دامن زدن ها به رقابت در میان تشکلهای سندیکائی درکشاندن آنها به سوی این یا آن فرقه سیاسی بدون پایه کارگری و زحمت کش، حمایت برخی از سندیکاها از تشکلهای سیاسی فرقه گرا و

حتا هم نظر با دیدگاههای بورژوائی، دامن زدن به نخبه گراها و رهبر تراشی کارگری فاقد کیفیت پیشرو و انقلابی بودن توسط تشکلهای چپ و فعالانی از کارگران، اخلاخل بزرگی را در پیشروی مبارزات کارگری بوجود آورده اند. چنین دیدهای ضد کارگری چیزی جز به بی راهه کشاندن طبقه کارگر و سازش با بورژوازی و خرده بورژوازی نبوده و مبارزات کنونی حتا در سطح مطالباتی نیز در نهایت به شکست می انجامد. زیرا به عنوان مثال فقدان یک نظر واحد سراسری کارگران در تعیین سبب زندگانی خانواده های کارگری و در این ارتباط عدم وحدت روی حداقل مزد بالاتر از ۴ میلیون تومان در ماه در سال جدید، هیچ نفعی جز در عرصه فرقه گرائی نظرات مختلف، به بار نیآورد. نتیجه تحمیل مزدچند برابر زیر خط فقر، ناشی از به قول معروف «دزد بازار آشفته می خواهد» نصیب رژیم حاکم سرمایه داری ایران شد، که حداکثر استفاده را از این تفرقه ها به سود خود کرد و حق کارگران و زحمت کشان را مصادره نمود.

شم طبقاتی طبقه کارگر حکم می کند مبارزات کارگری روی خواسته های واحد کارگری، سازمان یابی واحد و نه «الله بختکی» پیش می رود. اخلاخلی که فرقه گرایان، نخبه گراها، و سازش کاران با نظام سرمایه داری با داشتن دست باز در ایران روی چشم نیز دیالکتیکی این شم طبقاتی خاک می پاشند تا شفافیت آن را مانع شوند. بدون تردید باید گفت که ضروری است تا طبقه کارگر و زحمت کشان ایران در برابر اخلاخل گریها با توجه به وضعیت عینی فلاکت بار، مصممانه ایستاده و امر رهائی خود را به دست گرفته و حتا کارگران فعال منحرف را از خرابکاری باز دارند. در این راستا به دوستانی از ۵ تشکل کارگری درود می فرستیم که در مسیر درستی گام برمی دارند. زمان به زیر سوال کشیدن ظلم و ستم و استثمار سرمایه داران و اخلاخل فرقه گرایان در به ضعف کشاندن مبارزات طبقه کارگر بیش از هر دوره دیگر قبل آشکار شده و افشای این اخلاخل گریها فرا رسیده است. خوشبختانه فریاد رفقای کارگر آگاه روز به روز بلند تر و آگاهانه شنیده می شود. این رفقا کلیه کارگران و زحمت کشان را دعوت می کنند تا به سئوالات زیر جواب روشن بدهند: از جمله بخشی از رفقای کارگر پروژه های پارس جنوبی؛ جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام؛ فعالان کارگری جنوب؛ فعالان کارگری شوش و اندیمشک؛ جمعی



از کارگران محور تهران - کرج. اسفند ۱۳۹۵

(kargaran.parsjonobi@gmail.com)
نکات مهمی را بیان می کنند:

«آیا از آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی، حتی یک بار دیده یا شنیده اید که چیزی به نفع طبقه کارگر تغییر پیدا کرده باشد؟ آیا یک بار دیده اید که سال جدید بیاید و فقر کمتر شود؟

آیا شنیده اید که بیکاری کاهش یابد و نیروهای بیکار برای یافتن کار مناسب برای مخارج زندگی شان دچار مشکل نباشند؟ آیا شنیده اید که کارگران و یا کارکنان کارخانه ها و شرکت ها پس از ماه ها کار بتوانند بدون دردسر به حقوق ماهیانه شان برسند؟ آیا شنیده اید کارگر، معلم، دانشجو، پرستار و یا انسان های دیگری که با مشکلات زیادی دست به گریبان هستند، آزاد باشند خواست ها و مطالبات خود را بیان کنند و سرکوب نگردند؟»

آیا شنیده اید که اکثر تشکلهای فرقه گرای سیاسی پرچم وحدت اصولی کمونیستی را در ایجاد حزب کمونیست انقلابی ایران بلند کرده باشند؟

آیا شنیده اید که این فرقه ها در ایجاد فدراسیون کارگری مجدانه اظهار نظر کرده و از جمله در زمینه ی وحدت سندیکاها در تشکل واحد سراسری، در کسب مزدهای معوقه و جلوگیری از سوءاستفاده شیدانه سرمایه داران و دولت فاسد جمهوری اسلامی آنان اعتصابات سراسری واحد را سازمان دهند تا گامی جدی در این مبارزه به حق پیروزیهای به دست بیاورید؟

آیا این فرقه ها با روشنگری و اعلام انزجار نسبت به نخبه گرایان مطالباتی و یا صنفی، بدون این که توانسته باشند به حداقل

خواستهای کارگران جواب داده ولی منم منم آنها در خدمت خرده بورژوازی و بورژوازی بوده اند، انجام نداده و نشان دهند که قلبشان با قلب کارگران با تیش واحدی می زند؟ جواب به این سئوالات مسلما از جانب کارگران آگاه پیشرو نه خواهد بود و امید جنبش این کارگران در آن است که در سال ۱۳۹۶، این رفقای کارگر خط کشی قاطعی نموده اصول کمونیستی را معیار کشف سره از ناسره قرارداده و مانع از این دوستان دغلباز بشوند که به قول معروف: این دغل دوستان که می بینی --- مگسانند گرد شیرینی! جنبش کارگری را در خدمت خود و نه خود کارگران می خواهند.

«روند عمومی وقایع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در جامعه حکایت از این دارد که فقر، بیکاری و بی حقوقی مردم همواره سیر صعودی داشته است. بر هیچ کس پوشیده نیست که آزادی های سیاسی و دمکراتیک نیز همواره به خشن ترین شکلی سرکوب شده است. هیچ نشانه ای از بهبود اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور قابل تصور نیست. نه فقر و گرانی و بیکاری کاهش می یابد و نه نیروهای مزدبگیر جامعه امیدی به حفظ کار و شغل خویش دارند. در واقع هیچ کارگر و زحمت کشی از گزند بحران سیاسی و اقتصادی نظام سرمایه داری در امان نیست. فقر و بیکاری و بی حقوقی در شرایط حاکمیت سرمایه داران و زمین داران «شتری است که در خانه همه کارگران خوابیده است». کارگران شرکت نفت و شرکت گاز و پتروشیمی ها بهترین مصداق این روند نزولی شرایط نامناسب اقتصادی و سیاسی هستند. همه شاهدند که چگونه وزارت نفت جمهوری اسلامی با سیاست تعدیل نیرو و

کسر مزایای شغلی کارگران تحت پوشش این وزارت خانه، دست آورد سال ها مبارزه کارگران را از آنها ربوده است. کارگران شرکت نفت در مناسبات میان کارگر و کارفرما از جایگاه ویژه ای برخوردارند. کارگران شرکت نفت به دلیل اهمیت و نقش تعیین کننده شان در اقتصاد کشور و همچنین به دلیل تجربه مبارزاتی شان از وزنه ای قابل اتکا برای سایر کارگران در بخش های مختلف اقتصادی برخوردارند. با این ویژگی است که کارگران شرکت نفت، گاز، پتروشیمی، صنایع فولاد، خودروسازی ها و غیره در جنبش کارگری از رسالت و نقش تعیین کننده برخوردارند. این بخش از کارگران به دلیل نقش پیشروی که در جنبش طبقه کارگر دارند بدون شک می توانند نقش رهبری کننده و یا حداقل تأثیر گذار بر سایر بخش های طبقه کارگر داشته باشند. این بخش از طبقه کارگر باید از اهمیت و جایگاه خود در جنبش کارگری واقف باشد و آگاهانه سایر بخش های طبقه کارگر را مورد حمایت قرار دهد. حمایت کارگران شرکت نفت از سایر بخش های طبقه کارگر، تجلی همبستگی طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی است». (همانجا)

در میان هزاران هزار شکایت کارگران زن و مرد، جان دادن بسیاری از کارگران در میدان کار، بی کاری، بی مسکنی، و غیره زیاد است که به مصداق مشت نمونه خروار عریان کننده ی زندگی جهنمی در ایران به کارگران و زحمت کشان تحمیل شده که حتا دانشگاه دیده ها هم در امان از آن نمانده اند: کارگران مرد و زن، صبحهای زود بر سر چهار راهها یا سرگذرها ایستاده اند تا وانتی توقف کند و کارگری را صدا کنند. از خانم گل بانو از محله حسین آباد تهران می پرسیم: چطور جرات می کنی به خانه ای بروی که نمی شناسی؟ به چه اعتباری؟ جواب می دهد: وقتی ۳ بچه گرسنه داشته باشی و شوهری علیل که نمی تواند کار کند، این حرفها برایت مسخره می شود. شب عیدی هیچ ندارم. داستان هزاران انسانی که کارگردن نامشان جانی ثبت نمی شود، حداقل مزد، بیمه اجتماعی، بازنشسته گی، و ... واژه هائی در رویای اینان نمی گنجد که در سقوط آزاد به زیر خط فقر هستند.

علاوه بر این ضرورت تحزب و انسجام طبقه کارگر حکم می کند که این بخش پیشرو طبقه کارگر وظیفه سترگ اتحاد و ایجاد تشکل های طبقاتی و سازمان یابی حزبی را خود بیاموزند و به سایر بخش های طبقه کارگر نیز آن را آموزش



زنده باد سوسیالیزم



دهند. طبقه کارگر در مبارزه علیه نظام سرمایه داری و مبارزه برای مطالبات خود باید از تشکل های طبقاتی خود برای مبارزه اقتصادی و سیاسی برخوردار باشند و به عبارت دیگر به سندیکاها و حزب سیاسی خود نیاز دارند». بیانیید گام اول را در گرفتن جشن مبارزاتی اول ماه مه در پیش کارگران و زحمت کشان، متحدان راه پیمائی، خواستهای واحد و شعارهای معینی را در پیش بگذارید تا طعم قدرت عظیم طبقه کارگر را در این اتحاد بچشید.

ک. ابراهیم

اول فروردین ۱۳۹۶



با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضاء وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر وتوده ها

انقلاب ... بقیه از صفحه اول

طلبی. زمان لازم نقش بزرگی در نو سازی انسان بعهد ه دارد، هرچه زمان گذشت، جنایات جهانی ومحلی دشمنان بشریت شدت یافت،حقیقت تابناک کار انقلابی برای نجات بشریت از بربریتی که سرمایه داری بوجود آورده بیشتر آشکار گردید. امروز در برابر موج پر تلاطم ضد انقلاب وشبه فاشیستی که جهان را بسوی ارتجاع وسقوط جنگ سوق می دهد،موج مقاومت و مبارزه ی میلیونی توده های مردم سراسر جهان قرار دارد. بگذارید قبل از اینکه نشانه هائی از آمدن این نسیم فرحبخش را بیان کنیم، درک خود را از انقلاب بیان کنم، روشن کنیم منظور ما از انقلاب چیست؟ ما از انقلابی سخن می گوئیم که نظام موجود سرمایه داری را بر می اندازد و نظام سوسیالیستی را جای گزین می کند. انقلابی است که فوری

ترین وظیفه اش لغو مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و اجتماعی کردن آن می باشد. انقلابی است که برای اطمینان از پیروزی اش، مصمم است از ریشه کلیه ی ماشین دولتی نظام حاکم را بر اندازد و از پائین تا بالا قدرت نوین انقلاب را بدست پرولتاریا وسیعترین توده های تابحال ستمدیده و زجر کشیده بسپرد، قدرتی باشد که از پشتیبانی مردم برخوردار گردد و به عظیمترین نیروی توده های مردم خدمت کند. این قدرت از جنس قدرت هفتاد و دو روزه کمون پاریس، از نوع شورائی انقلاب اکتبر است. دیکتاتوری پرولتاریائی که پشتوانه اش وسیع ترین دمو کراسی ها ی تابحال موجود بوده و از همان روز اول چگونگی اضمحلال تدریجی خود را اعلام می کند. چنین انقلابی یک عمل اجتماعی تاریخی عظیمی است که بار دیگر جهانی را به لرزه در خواهد آورد.:

چرا انقلاب در راه هست؟ چه نشانه هائی حکایت از آمدن انقلاب دارد:

گفته ی متداولی است در میان مردم که دنیا چنین نبود و چنین باز هم نخواهد ماند، پنداریست راستین که بر سنگ خاری زندگی و مبارزه ی بشریت مترقی برای بهبود زندگی حک شده است. در جا معه طبقاتی که از همان آغاز بر بنیاد استثمار انسان از انسان وستم بر توده های عظیم مردم شکل گرفت، مقاومت ومبارزه م پا گرفت و به امری روزانه و دائمی تبدیل شد. هر جا ستم باشد،مقاومت هم هست. چنین است تاریخ جوامع طبقاتی، تا آنجا که طبقه ای طبقه ی حاکم را به زیر می کشد و دیکتاتوری خود را بجای آن نشاند.

روند تاریخی مبارزه ی طبقاتی را می شود بنوع دیگری هم ترسیم کرد: روندیست در پاسخ به نیازمندی های اکثریت مردم و عبوریست از قلمرو ضرورت به قلمرو آزادی. هر چه دستاوردهای علمی بیشتر ویکار برد آنها گسترده تر، سرعت تغییرات شتابان تر و زمینه برای تکامل روند انقلابی را فراهم تر می کند. در این جاست که اهمیت اندیشه های کارل مارکس و دیگر اندیشمندان پرولتاریائی برای رهائی بشریت از یوغ نظام های تابحال طبقاتی روشن می شود. تغییر های قبلی کند و کور کورانه بوده، در حالی که تغییر انقلابی طبقه ی جدید، طبقه کارگر در دورانی صورت می گیرد که این طبقه دارای پیشرفته ترین تئوری های انقلابی است، پیشروانش آگاهانه و براساس اصول و با درجه ی عالی از خود گذشتگی کار می کنند.. اکنون دیگر طبقه

ی پرولتاریا علم رهائی اش را با جمع بندی دائمی از پراتیک اجتماعی اش، آگاهانه با شرایط مشخص تلفیق داده واز الگو برداری و دنباله روی پرهیز می کند. بی شک یک عاملی که در گذشته هزاران سال طول کشید تا بردگان،سروها، رعایا ودهقانان آزادی بدست آورند نبود علم رهائی شان بوده است. در دوران سرمایه داری بشکرانه ی نظم اجتماعی شیوه تولیدی و رشد آگاهی پیشازان ضد نظام سرمایه داری دیری نپائید که گورکنانش به قیام بر خاستند. بدین خاطر بود که مارکس با شور وشوق غیر قابل وصفی به استقبال کموناردها برخاست ۱۸۷۱ و انرا اولین هجوم تاریخی پرولتاریا برای تغییر جهان نامید. کمون پاریس نه تنها برای مارکس وانگلس و برای لنین کمی دیر تر تجربه ای شد تا نظرات خود را در باره ی چگونگی کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر تشریح کنند بلکه نشان داد که بورژوازی این طبقه ای که نوید آزادی و برابری را بسر داده بود چگونه به وحشی ترین وجهی بیش از هفده هزار انقلابیون را به جوخه اعدام سپرد ..

انقلاب کبیر اکتبر که دنیای مترقی این روز ها صدمین سال پیرومند آنرا جشن می گیرند، ادامه قیام تاریخی کمون پاریس بود که به گفته ی لنین پرولتاریا از تجربه ی آن درس های لازم را گرفت تا آنرا در انقلاب اکتبر بکار برد.

چه نتیجه ای از باز گوئی این تجارب دستگیر ما می شود اولین ومهمترین اینست که انقلاب حتی انقلابیون را غافلگیر می کند. ما خود تجربه سال ۵۷ را خوب بخاطر داریم. دومین اینست انقلابات در دوران آشوب و تلاطم و جنگ احتمال رخ دادنشان بیشتر است.در جهان امروز چه می گذرد ودر ایران چه خیراست که انقلابی در راه هست! . آشوب وتلاطم گرایش عمومی جهان سرمایه داریست. حاکمان جهان سرمایه بحران ساختاری را نتوانسته اند از سر بگذرانند، رقابت میان دسته بندی های انحصاری و کرپوریشن ها(کنسرن ها) همچنان رو به تشدید است، قدرت های تابحال دست دوم، سرکردگی آمریکا را به چالش گرفته اند. سیاست دیگر به گفته سیاستمداران بورژوا علم امکانات نیست، بلکه ایجاد امکانات بوسیله زور سرنیزه است، ژنرال ها ونظامیان و کارخانه های اسلحه سازی حرف آخر را می زنند. ترامپ با چهل ونه موشک ویک بمب مادر بمب هایش که به سوریه و افغانستان زد اعلام داشت « کشتیان را سیاستی

بدون حزب انقلابی هیچ انقلابی متصور نیست



دگر آمد». تمام شواهد حکایت از آن دارد ایران در مرکز این آشوب کنونی جهانی قرار دارد و تغییر انقلابی جامعه ایران نه تنها متحمل است بلکه اجتناب ناپذیر می باشد. بگذارید دگر عواملی را که در ایجاد شرائط انقلابی موثرند یک بیک در زیر باهم مرور کنیم .:

یکم

انقلاب را توده ها می کنند، مبارزه ی طبقاتی آن نیروی تغییر دهنده ی اصلی است و در دوران ما طبقه کارگر منجی انقلابی است که جهان و بشریت را از سقوط کامل به دره ی بربریتی که بدست سرمایه داری و امپریالیسم بوجود آمده نجات می دهد. خیزش عظیم کارگران و مزدبگیران در ایران در سال گذشته بی سابقه بوده، بیش از هفت هزار اعتراض، اعتصاب و تظاهرات خیابانی توسط کارگران صورت گرفته است. در تاریخ جنبش کارگری ایران این یک تغییر عظیم محسوب می شود. در برابر مطالبات گسترده ی اکثریت عظیم مردم پاسخ حاکمان و سرمایه داران نه تنها منفی بوده، در بسیاری از اتفاقات معترضان با زور، سرکوب و زندان روبرو شده اند. امروز معیشت ونان به مبرم ترین مشکل جامعه تبدیل شده است و کل نظام توانائی پاسخ به این مشکل را ندارد.

دوم

نظام جمهوری اسلامی از درون پوسیده، مردم مهر باطل به آن زده اند. حاکمانش با چنگ و دندان در حال دریدن یکدیگرند. نه تنها میان جناح های مختلف حکومتی اختلاف هر روز شدیدتر می شود بلکه دعوا بر سر جانشینی خامنه ای مزید بر علت شده است..

سوم

رژیم جمهوری اسلامی بیش از توانائی وامکاناتش در منطقه خود را پهن کرده است. نیروهای نظامی و شبه نظامی اش از یمن تا شرق مدیترانه پخش است و اخیرا اعلام شد همراه نیروهای حزب الله لبنان دست به ایجاد پایگاه نظامی در بلندی های جولان در سوریه زده اند. شریان اصلی اقتصادی بدست نیروهای انتظامی زیر نظر بیت ولایت فقیه اداره می شود و در خدمت اسباب جنگی نظام است.

چهارم

با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا، سیاست نرمش قهرمانانه ی خامنه ای با شکست کامل روبرو شده است، حالا دم از مقاومت و شجاعت می زند. حکومتی که میلیون ها خانواده اش زیر خط فقر زندگی

می کنند، با زور و دیکتاتوری مردم را به زانو در آورده و در درونش جناح های مختلف در جدال مرگ و زندگی اند چگونه می تواند در گرد باد سهمگین آشوب منطقه مقاومت کند. خیالات واهی ای بیش نیست. دیوار جمهوری اسلامی پوسیده و در حال فرو پاشی است.

پنجم

معضلات عظیم محیط زیست، ناسامانی عمومی بهداشت و مسائل ایمنی، شیوع باز هم وسیع تر مواد مخدر، سرکوب باز هم بیشتر اقلیت های مذهبی و ملی، فساد گسترتر دستگاه های اداری همه و همه چنان آشوب و آشفتگی در اداره امور بوجود آورده که پایه های امپراتوری اسلامی را متزلزل کرده است.

خوب در این اوضاع پر آشوب و پر تلاطم که آهنگ خیزش عمومی مردم از دور به گوش می رسد و دکل کشتی انقلاب نمایان می شود نقش نیروهای آگاه، احزاب و سازمان هائی که به ضرورت انقلاب باور دارند، آنهایی که اصول کمونیسم علمی را تئوری راهنمای خود قرار داده اند و آموزش های کارگران پیشروی را چون شاهرخ زمانی تلفیقی از آن با شرائط مشخص ایران می دانند، آنهایی که معتقد به انقلاب سوسیالیستی هستند و تاکید دارند چنین انقلابی باید به دست طبقه کارگر و با نقش رهبری کننده آن تحقق پذیرد، انهایی که امروزه برای ایجاد حزب کمونیست متحد و یکی شده در پیوند با مبارزات کارگران تلاش می کنند چه وظیفه ای بعهده دارند. ما می دانیم وسالهاست تاکید کرده ایم چاره ی رنجبران وحدت و تشکیلات است. ما در عین حال در تجربه آموخته ایم برای انقلاب کردن در ایران احتیاج به حزبی واقع انقلابی مسلح به تئوری علمی، تشکیلاتی زنده در پیوند فشرده با کارگران پیشرو و آگاه متشکل در تشکیلات توده ای کارگری و رهبری و کادر ها و اعضایش پنهان از چشم دشمنان طبقاتی در میان توده داریم. بدون چنین حزبی چنانچه انقلابی صورت گیرد باز هم به کجراه رفته و باز هم جناحی دیگر از بورژوازی قدرت را تسخیر خواهد کرد. چه باید کرد که به این مشکل تاریخی جنبش عظیم و گسترده ی طبقه کارگر ایران جواب بدهیم؟

به ندای کارگران، مردمان ستمدیده مان پاسخ دهیم. به ندای ابوالقاسم لاهوتی که نزدیک صد سال پیش فریاد کرد پاسخ دهیم: چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. آهنگ دلنواز سرود خسرو گل سرخی را به جان

گیریم: باید یکی شویم، باید یکی شویم. باید همه ی کمونیست ها با تاکید روی نکات مشترک بر اساس اصول و برنامه بدور از ذهنی گری و سکتاریستی، بدور از منافع گروهی و خود مرکز بینی یکی شوند. چنین است وظیفه فوری و مبرم کمونیستها. منافع طبقه کارگر، مردم زحمتکش ما، توده های ستمدیده و رنج کشیده ی ایران که سالهاست زیر ستم یک حکومت جانی ارتجاعی لگد مال شده اند حکم می کند کمونیست ها یکی شوند، یک تشکیلات یکپارچه بوجود آورند. چهل سال است جدا جدا عمل کرده اند، چهل سال است تنها به میدان رفته اند کافی است، جز انشعاب، پراکندگی باز هم بیشتر چیزی عاید نشده است. متأسفانه نشانه هائی هست که این پراتیک منفی دارد به درون جنبش کارگری داخل انتقال می یابد.

از شاهرخ بیاموزیم برای یکی شدن کمونیست ها، برای ایجاد حزب واحد کمونیستی، برای ایجاد تشکیلات سراسری کارگران، برای ایجاد اتحادی بزرگ معلمان، زنان، پرستاران از کلیه مردمان ستمدیده و ملیت های ایران، مبارزه کنیم.

وفا جاسمی



بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

نظامی گیری... بقیه از صفحه اول

است. در تمام این مانورها که با وقاحت تمام تحت عنوان مبارزه با تروریسم برگزار می شود. سرمایه داری غرب و بویژه آمریکا با سازماندهی و کمک به سازمان های افراطی اسلامی و تروریست آنها را به دنبالچه خود در جهت سرکوب کارگران و خلق های جهان در ه قاره تبدیل کرده اند. فروش اسلحه و اسلحه سازی و بالا رفتن سهام شرکت های اسلحه سازی میلیارد ها دلار را نصیب کارخانه ها و کنسرن های

از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه کارش



اسلحه سازی کرده است. و امپریالیست ها بویژه امپریالیسم آمریکا همچون یک قداره بند بین المللی اسلحه را از رو بسته و برای دیگران مشغول رجزخوانی است. فشارهای اقتصادی و سیاسی دیگر کارائی خود را علیه مخالفین از دست داده است. روسیه با پشتیبانی اقتصادی و استراتژیکی چین تا به حال توانسته است تمامی فشارهای اقتصادی و تحریم های مالی را تحمل کرده و بعد از فروپاشی شوروی به یک بازیگر مهم در عرصه بین المللی تبدیل شود. ارتقاء توان نظامی روسیه و توان اقتصادی چین بلوک پر قدرتی را بوجود آورده است که بلوک ناتو را عملا در سطح جهانی به چالش طلبیده است و هر چه که می گذرد با تنگتر شدن بازارهای اقتصادی و تشدید بحران های ناشی از آن رقابت امپریالیستی برای دستیابی به بازارها رقیب تشدید شده و مبارزه مرگ زندگی بین دول معظم امپریالیستی برای برنده شدن در این رقابت افسار گسیخته هیچ مفری را برای بازی های دیپلماسی و حقوق بشر و دموکراسی غیره نگذاشته است. جنگ سردی که به فروپاشی شوروی منجر شد این بار با شدت و حدت بسیار گسترده تری در شکل بلوک بندی های جدید امپریالیستی سربلند کرده است. آنها در این رقابت های مشغول به خاک و خون کشیدن ملت های ضعیف و به یغما بردن ثروت های ملی و اجتماعی، نیروهای انسانی، آثار ملی و هر چه که ارزش های جهانی تاریخی مالی دارد، هستند.

آمریکائی ها در اوضاع کنونی نه تنها به قوانین بین المللی و سازمان ملل که خود در ایجاد آن نقش داشتند هیچ وقعی نمی گذارند بلکه با گردن کلفتی و تهاجم نظامی منافع خود را بدون حتی هماهنگی با متحدین خود جلو می برند. آنها با دمیدن درتور جنگ محیط پر از وحشتی را برای ترساندن مردم دنیا با تهاجم ها و اشغال کشورهای مختلف و ویرانی آنها مدتها به صدا درآورده اند. اما ملل جهان همچون گذشته علیه تجاوزات امپریالیستی و اشغالگری ایستاده اند. آمریکا با اینکه دست به کشتارهای وحشیانه و بربر منشانه عظیمی در عراق و افغانستان و لیبی زده است اما مردمان این کشورها همچنان در زیر بمباران به مقاومت علیه حضور سربازان دول اشغالگر ادامه می دهند.

آنها بعلت اینکه نتوانستند تحت عنوان ارزش های دموکراسی و حقوق بشر و مبارزه علیه تروریسم، تجاوز و دست اندازی به کشورها و ملل تحت ستم را توجیه کنند با کمک به سازماندهی دار و دسته های اسلامی

آنها را بجان مردم انداخته اند آخرین نمونه های آنها هم کم نیستند از طالبان و القاعده تا داعش و جهاد اسلامی و غیره هستند که ویژگی تمامی شان خشونت افسار گسیخته علیه مردم، اعدام های شنیع دسته جمعی همچون موصل و حلب و نیز بمباران کشورهای متروپل علیه کشورهای ضعیف و به ویرانی کشیدن زیر ساخته های آنها تحت عنوان مبارزه با تروریسم است که نه تنها بارجنگ های اشغالگرانه خود را به دوش جنگ داخلی بین گروههای مسلح مرتجع انداخته اند... بلکه از بالای سر آنها به غارت و ویرانی کشورهای عمدتا خاورمیانه دست یازیده اند. خاورمیانه و بسیاری از کشورهای افریقائی نمونه های بارز این امر هستند. با تمامی این نیرنگ و فریب ها، تجاوزات نظامی و غیره اما تقابل کشورهای امپریالیستی علیه یکدیگر فقط با ایجاد مناطق درگیری در کشورهای جهان سوم و فشار از آن مناطق، دیگر کافی نیست. و آنها در حال شکل دادن به یک رودر روئی مستقیم هستند.

بودجه های نظامی که از قبل کارگران و زحمتکشان این کشورها تامین می شود هر روز و هر ساعت سیر صعودی را می پیماید و بودجه های نظامی به اندازه ای سنگین شده است که اکثر کشورهای حتی بزرگ را به ورشکستگی مالی تهدید می کند. « در شرایطی که جنگ های ارتجاعی هر چه به خرابی و آواره گی میلیونی و از بین رفتن جوامع منجر شده است باید فعالیت های ضد جنگ و اشغال را تشدید کرد. اگر ما نجنبیم بربریتی را که برای ما شکل داده اند، تعمیق و گسترده تر خواهند کرد.

چرا ملت های عراق و افغانستان و لیبی با تمام فداکاری ها و از خود گذشتگی ها هنوز نتوانسته اند اشغالگران را بیرون کنند؟ طی مدتی که این کشورها توسط غرب اشغال شده است میلیون ها نفر کشته و زخمی و آواره شده اند. اما چرا ملت ویتنام توانست پوزه امپریالیست های گوناگون از فرانسه تا آمریکا را بخاک بمالد آیا این بعلت داشتن یک حزب انقلابی و متشکل شدن زحمتکشان ویتنام در درون آن نبود. وضعیت کنونی ضرورت وحدت و تشکیلات را هر چه بیشتر نشان می دهد. آمریکا با نزدیک به یک تریلیون دلار بودجه نظامی بزرگترین ارتش متجاوز جهان را داراست. بعد از آنها فرانسه، چین، روسیه، بریتانیا قرار دارند. در زمینه فروش اسلحه نیز آمریکا با در اختیار داشتن ۳۳٪ از فروش اسلحه و سپس روسیه و چین به ترتیب با ۲۳٪ و ۸٪ بزرگترین فروشندگان اسلحه در سطح

بین المللی هستند. در عین حال آمریکا با فشار به متحدین غربی خود در ناتو خواهان افزایش بودجه نظامی آنهاست تا رقابت های نظامی خود را علیه روسیه و چین با مخارج کمتری جلو ببرد. اگر در گذشته سلاح های بسیار گران انبار شده در انبارهای اسلحه کهنه و غیر قابل استفاده می شد ولی امروزه سلاح های نظامی در خدمت کشت و کشتار مردم، بهم ریختن ثبات کشورها و ایجاد هرج و مرج و درگیری های درونی در اکثر کشورهای جهان بویژه کشورهای جهان سوم بطور مداوم بکار می رود. و بدون به روز کردن آنها با بودجه های سنگین امکان حفظ توانائی نظامی ممکن نیست.

اساسا فروش اسلحه در شرایط متشنج جهانی که خود زایده همین بنگاههای اسلحه سازی و دولت های مرتبط شان است با از بین بردن هزاران میلیارد دلار از نیروی انسانی و امکانات اجتماعی و فرو پاشی جوامع در هرج و مرجی بی پایان با دامن زدن به کینه های ملی، مذهبی، قومی، وضعیت فلاکتباری را برای بسیاری از جوامع جهان سومی و فشار به کارگران کشورهای متروپل بوجود آورده است. کمپانی های اسلحه سازی با آزمایش مدرن ترین اسلحه هایشان علیه مردم بی دفاع به بزرگترین جنایات علیه بشریت دست زده اند همانطور که آمریکا اولین بمب اتمی خود را در هیروشیما علیه مردم بکار برد حال با بکار بردن بمب های فوق سنگین در افغانستان چهره های دیگری از این درندخوئی را به نمایش می گذارد.

در اوضاع و شرایط کنونی که تشنجات بین المللی بطور عمدی دامن زده می شوند، بودجه های نظامی یکی از بندهای سرطانی سرمایه داری جهانی است که همه نیروهای درگیر در صحنه اجتماعی را اسیر خود کرده است. نیروهائی که اساسا با فشار به کارگران و مزدبگیران جامعه، بودجه های خود را هر ساله افزایش داده و نیروهای نظامی، پلیسی و امنیتی خود را از طریق گسترش دادن، تقویت کرده و برای برنامه های عملیاتی بطور دائم بحالت آماده باش نگه دارند.

تلاش رسانه های مزدور در خبررسانی از کشتارهای دهها و صدها نفره ناشی از بمباران ها و درگیریهای داخلی و بمب گذاریها در مناطق غیر نظامی و علیه زنان و کودکان و مردم بی دفاع و گزارش های مفصل از شنیع ترین جنایات علیه مردم به صدر میدیاه و رسانه های عمومی، درجهت عادی و روزمره کردن این حوادث در



با توده توسعه دهیم.

۵) چرا ما در مورد انقلاب سوسیالیستی و مارکسیسم لنینیسم اصرار می‌ورزیم؟ پیش از کارل مارکس کبیر تعداد زیادی از فلاسفه برای پاسخ به سوالات مردم علاقه مند به توضیح جوامع و تجزیه و تحلیل آن بودند، اما هیچ یک از آنها نه راه حلی برای مشکل ارائه داده و نه پاسخی به چگونگی انجام آن. کارل مارکس ظاهر شد. او فقط یک فیلسوف نبود بلکه او با مطالعه تاریخ، جامعه‌شناسی و اقتصاد و بسیاری از زمینه‌های علوم به یک نماد رهایی بشریت از طریق مارکسیسم برای کلیه مردم مبدل شد. مارکس با تجزیه و تحلیل جامعه، بیماری و درمان آنرا کشف کرد. او پاسخ کامل به سوالات مطروحه از جانب مردم داد بطوریکه به حق فیلسوف مردم فرودست می‌باشد که مورد انتقاد برخی نیز از او قرار می‌گیرد!! توده‌ها با مارکسیسم متقاعد شده و آن را به عنوان تنها راه برای آزادی می‌شمارند.

او با رفیق خود انگلس مانیفست کمونیست که خلاصه مارکسیسم در سال ۱۸۴۸ بود را نوشتند. مانیفست پاسخ‌ها و راه حل‌ها را برای براندازی حاکمیت بورژوازی ارائه داد. مانیفست به برنامه سیاسی تمامی توده‌های مردم و نه فقط احزاب کمونیست تبدیل شد. بدین خاطر بر مارکسیسم اصرار می‌ورزیم چون آن را به مثابه یک نظریه علمی و نه یک نظریه تخیلی محسوب می‌داریم. لنین پدید آمد و بسیاری از انواع فلسفه را مورد مطالعه قرار داد و متوجه شد که جامعه او به مارکسیسم نیاز دارد. این فلسفه که با تاریخ مادی زندگی واقعی، فلسفه کارگرانی که نعم زندگی را تولید می‌کنند و توسط سرمایه‌داران مورد بهره‌کشی و استثمار قرار می‌گیرند. او حزب سوسیال دموکرات روسیه (RSDP) را پایه‌گذاری کرد و مردم را به پیوستن به آن جهت آمادگی برای انقلاب سوسیالیستی و سرنگونی حکومت تزار ترغیب کرد.

لنین مارکسیسم را از آنجائیکه دگم نیست و در تلفیق با شرایط زمان و مکان انعطاف پذیر بوده بدون نقض قوانین اصلی آن تکامل داد. مهم‌ترین خدمات لنین در آثار او به عنوان مثال، "امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه‌داری"، "دولت و انقلاب"، "ماتریالیسم و نقد نظریه تجربی" و بسیاری کتب دیگر منعکس است. او همچنین رویزیونیسم کائوتسکی را نادیده نگرفت.

استالین نیز علیه گرایش‌های راست و افکار رویزیونیستی و تروتسکیستی در خارج و داخل اتحاد جماهیر شوروی مبارزه کرد. او: "مبانی لنینیسم"،

حزب کمونیست مصر و صدمین سال انقلاب اکتبر

ترجمه حاضر برگرفته از نوشته رفقای حزب کمونیست مصر می‌باشد که بخش اول آن در شماره پیشین رنجبر درج گردید

۴) آیا ما نیازی به یک الگوی سوسیالیستی برای پشتیبانی از احزاب سوسیالیست جهت ساختن سوسیالیسم در هر کشور داریم؟! ۱۰۰ سال پس از انقلاب کبیر اکتبر ما کماکان با شرایط مشابه سلطه ایالات متحده بر ثروت کشورهای خود هستیم. ما به یک کشور سوسیالیستی جدید نیازمندیم که توازن قدرت را در سطح بین‌المللی ایجاد کنیم و به تشبثات خرده بورژوازی (خدمتگزار تولید بورژوازی) خاتمه داده و بدین ترتیب به فقر و استثمار و هرگونه استثمار پایان دهیم. علل انقلاب ۱۹۱۷ همان‌ها هستند و امروز در غیاب اتحاد جماهیر شوروی علل وقوع آن حتی تشدید یافته است. سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی تحت رهبری لنین و استالین نشان قدرتمندی از عدالت و جامعه مترقی بود که عزت و زندگی بهتر را به مردمانش میداد. ما در حال حاضر به الگویی نیاز داریم که بورژوازی نیازمندی‌های ضروری را تولید نمی‌کند ضمن آنکه سود بیشتری با تولید توهم در قالب خدمات بدست آورده و موجب رنج و فلاکت بیشتری برای مردم می‌شود.

بشریت امروز بدرجات توسعه دست یافته، علم و تکنولوژی تولید همه نیازهای بشریت را ممکن و حتی بیشتر از آن را مقدور ساخته اما خرده بورژوازی مانعی در مقابل آن است. برای منافع خود انجام آنرا به تاخیر می‌اندازد. خرده بورژوازی در ورود به جنگ‌ها و بسیاری از بحران‌ها که پایانی ندارند و تنها بوسیله سوسیالیسم است که می‌توان جهان را از نابودی و نیستی نجات داد. اخلاص می‌کنند. سوسیالیسم تنها راه برای زندگی بهتر، عاری از فقر، گرسنگی، بیکاری، جنگ و استثمار است.

ما به مثابه حزب کمونیست انقلابی مصر تمامی رفقا را در احزاب انقلابی و کمونیستی برای انهدام تفکرات خرده بورژوازی و انجام انقلاب سوسیالیستی به اتحاد دعوت می‌کنیم. مادست تمام رفقا را برای تمرکز این مبارزه و تلاش جهت آن می‌فشاریم. ما باید بیشتر با مردم مرتبط بوده و بار دیگر برای پیروزی و برافراشتن پرچم سوسیالیسم پیوند حزب را

افکار عمومی جهانی با سرمایه‌های هنگفت ادامه داشته و در خدمت رواج خشونت و نظامی کردن روحیه عمومی است.

کافی است توجه کنیم که با بودجه نظامی یک سال جهان می‌توان آموزش و پرورش و سیستم درمانی ۲۰ سال کره زمین را به نحو بسیار بهتری تامین کرد. در حالی که رقابت نظامی باعث شده است که اکثر دولت‌ها از بودجه‌های بهداشتی و خدماتی خود بشدت بکاهدند و آنرا صرف بودجه‌های نظامی و گسترش ارتش‌های خود نمایند. اما برای پرده پوشی میلیتاریسم چه چیزی بهتر از آلوده کردن افکار عمومی با راسیسم، مذهب، ناسیونالیسم و بجان هم انداختن کشورهای ضعیف جهان. کافی است توجه کنیم که آمریکا در حال حاضر با نزدیک به ۷۵۰ پایگاه‌های علنی و مخفی بزرگترین ارتش نظامی جهان را داراست، دولتی که بزرگترین حامی تروریسم بین‌المللی و مرتجعین جهان است.

با رشد تضادهای امپریالیستی، جهان هر چه بیشتر به طرف جنگ‌های بزرگتر و کشتارهای وسیع‌تر می‌رود. ملل جهان باید با تجربه گرفتن از یکدیگر و گره کردن مشتهای متحد پوزه متجاوزین امپریالیستی، اشغالگران و مرتجعین را به خاک بمالند. امپریالیست‌ها در حال ویرانی محیط زیست و سوق دادن جامعه بشری به سوی بربریت و کشتاندن آن به عقب هستند. علیه آن بایستی ایستاد نباید اجازه داد که آنها بدون مجازات هر کاری که می‌خواهند با خلق‌های ستمدیده و زحمتکش جهان بکنند. صفوف متحد جهان کارگران و زحمتکشان هسته مرکزی برای این چالش جهانی است. به نظر من اتحاد طبقه کارگر جهان و بوجود آمدن احزاب کمونیست به مثابه آلترناتیو‌های اجتماعی تنها راه حل ایستادن در برابر نظامی‌گری امپریالیستی است. خلق‌های ستمدیده و مردم کشورهای اشغال شده می‌بایستی متحد شوند و سازمان‌های انقلابی خود را بوجود بیاورند تا بتوانند جواب قهر ارتجاعی را با قهر انقلابی بدهند. هیچ چاره دیگری موجود نیست به قول معروف «یا ما سر مار یکوبیم به سنگ یا او سر ما برآورد بر آونگ»

ع.غ





فقر، افزایش بیکاری، پائین آوردن مزدها و کلا حمله به معیشت و دست آوردهای رفاهی ناشی از مبارزات گذشته کارگری، وحدت این اتحادیه برای رهائی از بحران امپریالیستی، ترک برداشت و دولت انگلیس از این اتحادیه بیرون رفت.

این روند گرچه می توانست با اجتماعی شدن بیشتر اقتصاد سرمایه متمرکز شده دولت اروپا و کمتر نمودن رقابتهای کشوری، گامی دیگر در جهت تولید اجتماعی رقابتی قطب امپریالیستی نیرومندی به پیش بردارد؛ ولی پیش بردن سیاست خصوصی سازی شرکتی دولتی از طریق فروش این شرکتها و سپردن اداره و کنترل مالکیت جدید آنها به مالکان خصوصی با طرح (ریگان - تاچر) در ۱۹۸۴، پس از طرح جهانی شدن سرمایه - که به ضرورت پیشروی نظام امپریالیستی تبدیل می شد - وقفه ایجاد نمود. دولت آمریکا در تصمیم جهانی سازی سرمایه و برقرار کردن نئولیبرالیسم در دهه ی ۱۹۹۰ امر جهانی سازی ادغام سرمایه ها قوت گرفت و خصوصی سازیها در مسیر کنترل سرمایه های متمرکزتر بزرگ قرار گرفتند. انعکاس این تناقضات اقتصادی، از جمله در اروپا به سطح سیاسی رسید:

حمایت اتحادیه اروپا از "انقلابات رنگی"، "بهار عرب"، "دامن زدن به جنگهای ویرانگر از عراق و افغانستان گرفته تا لیبی و سوریه و یمن و سومالی و کشورهای دیگر آفریقا وغیره" موج دهها میلیونی از آواره گان جنگ زده و گرسنه گان آفریقا - خاورمیانه آسیای غرق در جنگ و چپاول را به سوی بازکردن دروازه های اروپا و آمریکا به حرکت درآورد. این هجوم پناهنده گان از یک سو منبع نیروی کار ارزان عظیمی بود در خدمت نظام سرمایه داری، اما در شرایط بحرانی بودن وضعیت اقتصادی از سوی دیگر زمینه ای را برای رشد ناسیونالیسم و مواضع خرده بورژوائی پوپولیستی در مقابله با آواره گان ناشی از تجاوزات نظامی ارتشهای امپریالیستی فراهم ساخت. برای ممانعت از تضعیف قدرت حاکم سرمایه داران، احزابی در لباس دست راستی افراطی ضد پناهنده ساخته و پرداخته شدند که پرورش یافته گان خود کشورهای امپریالیستی بودند. این احزاب ضد رهائی زنان در عرصه های مختلف از سلطه ی سرمایه و مردسالاری، موضع نژادپرستانه داشتن و غیره به رشد دیدگاه فاشیستی برای جلوگیری از رشد اعتراضی کارگران و زحمت کشان جهان کشیده

دونالد ترامپ رئیس جمهور ابر قدرت آمریکا در عقب نشینی به ناسیونال فاشیسم برای یافتن راه حل عروج مجدد "آمریکای باردیگر بزرگ قدرتمند"، تصمیم به جلوگیری از ورود ۶ کشور عربی و ایران به آمریکا گرفت، مرزهای ورودی بسته شد ولی بلافاصله قاضی در سطح دادگاه فدرال رای علیه این تصمیم ترامپ گرفت و دروازه های ورود به آمریکا باز شد. ترامپ درمخمسه عملی نشدن سیاست ارتجاعی اش مجددا دستور بستن دروازه های ورودی آمریکا را داد و قاضی دادگاه فدرال در ایالت هاوایی این دستور در سراسر آمریکا برای بار دوم ۶ کشور فوق منهای عراق معلق کرد. ترامپ برای مقابله با این تصمیم قضات، عزم خود را در فراخواندن دادگاه عالی به مثابه بالاترین هیئت قضائی آمریکا برای رسیدگی به این امر اعلام نمود تا تصمیم اش به طور کاملی به اجرا درآید!

بعد از انتخاب ترامپ در آمریکا به ریاست جمهوری، ولوله ی عدم امنیت بزرگی علاوه بر آمریکا در اتحادیه اروپا نیز به وجود آمده است که باقی ماندن اتحادیه اروپا بعد از بیش از ۱۰۰ سال تلاش در تشکیل آن، به زیر علامت سؤال رفته است. مشخصا بعد از جنگ جهانی دوم به طور عملی از ۱۹۵۷ به بعد، پی ریزی اروپای متحد توسط فرانسه، آلمان، ایتالیا، شروع شد و در فواصل مختلف عضو شدن هلند، بلژیک و انگلستان، در این راستا از همکاری در دوعرصه انرژی (ذغال سنگ) و تهیه فولاد شروع شد. در دهه ی ۱۹۹۰ بسط و گسترش اتحادیه اروپا ادامه یافته و تدریجا ایجاد پول واحد نورو، پارلمان واحد، تلاش نافرجام در ایجاد ارتش واحد اروپا، توافقنامه شنکن در ایجاد تسهیلات ورود به کلیه کشورهای عضو اتحادیه اروپا با داشتن ویزا از یک کشور اتحادیه اروپا، کم شدن کنترل مرزها برای عبور و مرور آزاد شهروندان خود اتحادیه اروپا و نهایتا تلاش برای ایجاد دولت مرکزی واحد اروپا که نهایتا به کم شدن نقش دولتهای کشوری منجر می شد، آغاز گردید. این تصمیمات در هماهنگی با جهانی تر شدن سرمایه و بازار آزاد نئولیبرالیستی برای تقویت قطب اروپا در جهان بود. اما با بروز بحران اقتصادی و مالی بزرگی که از ۲۰۰۸ سال به بعد، شروع شد، مقاومت در کشورهای مثل یونان در برابر بانک جهانی، بانک مرکزی اروپا و صندوق ذخیره پول و اعمال قدرت اتحادیه اروپا بر کشورهای از نظر اقتصادی ضعیف، اعتراضات بزرگ میلیونی کارگری در کشورهای جنوبی اروپا، رشد

"مسائل لنینیسم"، "مارکسیسم در زبان شناسی"، "مارکسیسم و مسئله ملی"، "مشکلات اقتصادی سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی" و بسیاری کتاب های دیگر را نوشت.

لنین نقطه نظر بسیار مهمی را در زمینه تشکیلات ارائه داده که تمام احزاب تا کنون از آن پیروی می کنند. نظرات او در آثاری چون "آنچه که ما باید از آن شروع کنیم"، "چه باید کرد؟"، "یک گام به پیش دو گام به پس" و "برای حزب طراز نوین" منعکس است. او اولین کسی بود که با اصرار انتخاب کارگران در کمیته مرکزی را خواستار شد، و حق با او بود چنانکه ارتباط حزب را با توده ها پیوسته نگه میداشت.

ما گفتیم که مارکسیسم به تنهایی کافی نیست اما مارکسیسم لنینیسم همان است که بموجب آن شعار ما "مارکسیسم لنینیسم" می باشد. این همان فلسفه ای است که روسیه را از کشوری عقب افتاده به کشور بزرگ هسته ای تحت رهبری لنین و استالین کبیر تبدیل نمود. R.C.P. - حزب کمونیست انقلابی مصر و کلیه اعضا صادقانه راه گذشته بلشویکها را دنبال کنید.

همراه با تمام انقلابیون، کمونیست ها، نیروهای مترقی در جهان، پیش به سوی زندگی بهتر، عاری از گرسنگی، استثمار و بیکاری.

زنده باد مبارزات طبقه کارگر، دهقانان و دانشجویان سوسیالیست.

زنده باد مبارزه کمونیستها.

زنده باد انترناسیونال کمونیستی

زنده باد مارکسیسم-لنینیسم

زنده باد انقلاب بزرگ بلشویکی اکتبر

زنده باد رفقا مارکس، انگلس، لنین و استالین



تشدید تضادها بعد از بروز بحران جهان امپریالیستی

تشدید تضادهای درونی مدافعان نظام امپریالیستی از یک سو و در عین حال تشدید تضاد طبقه کارگر و زحمت کشان و کشورها و ملل تحت ستم با امپریالیسم و نظام سرمایه داری بربرمنش از سوی دیگر، جریان می یابند. وضع متشنج کنونی جهان حاصل این تشدید مبارزات درونی امپریالیستها و بیرونی با مردم جهان است:



آموختن از روزگار، نه به انتخابات و شرکت نکردن در آن است!

۲۹ اردیبهشت دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری آلوده به نیرنگ و فساد ایران در راه است. مدتی است که بازی شیره مالیدن به سر مردم برای کشیدن آنان به حوزه های رای دهی این انتخابات، جریان می یابد. حاکمان نوکر نظام سرمایه داری و استبداد مذهبی جنگ زرگری تعیین نامزد بین بد و بدتر این ریاست را شروع کرده اند.

نامزد سیدابراهیم رئیسی سلطان دوم «تولیت آستان قدس رضوی» بعد از مرگ آیت الله طبسی فوق میلیاردی جای گزین آن شده، کسی که امضا کننده ی دستورقتل چند هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ ، و با کارنامه های سیاه دیگرجنایت کار تاریخی دهه های اخیر است. نامزد رئیس جمهور شدن «ولی فقیه» نشان از ضرورت انتخاب قسی القلبی شناخته شده ای دارد، که برای حفظ ریاست جمهوری اسلامی رسوا با توزیع غذای ۹۵۰ میلیون تومانی به ۲۴۰ هزار نفر از میان میلیونها انسان گرسنه از خزانه آستان قدس رضوی، و متکی بر روایات «ظهور نزدیک امام زمان» با قیام «سید خراسانی»، مشغول زمینه سازی تبلیغات مزورانه ای جهت رای آوردن شده است. «رقیب دیگر» حسن روحانی است که ادعای موفقیتش در توافق با ۱+۶ کشور های امپریالیستی (برجام) ، حتا تا به امروز حاضر به برملا کردن محتوای کامل این قرارداد تحمیلی نشده و برخلاف ادعای او گشایشی نیز از مردمان غرق در باتلاق فقر و فلاکت در ایران، به وجود نیاورده است.

بازی از قبل تعیین شده بین نامزدهای رژیم، حیل و رسوای گول زدن مردم، وانمود کردن وجود رقابت انتخاباتی است! بازگو کردن مهندسی انتخابات نه تنها در ایران بلکه در کلیه کشورهای جهان تقلبهای گوناگونی رایج بوده اند. مردم با بستن چشم خود از این تقلبها و شرکت در رای دهی به سان کمک به ریختن نفت روی آتش و شعله ورنگهداشتن انتخابات آدمکشان خادم زر و زیور، ناروا است.

از صندوقهای انتخاباتی در تمامی جهان کنونی، افعیهای خادم نظام سرمایه داری بیرون می آیند. در نتیجه نه تحریم، نه انداختن رای به صندوقها، هیچ تاثیری در انتخاب افراد مورد نظر انتصابی ندارد! اختراع انتخابات نوع پارلمانی، حيله

گفت که پروژه تحکیم اتحادیه اروپا و تقویت آن با شکست کامل روبه رو خواهد شد. بدین ترتیب، باتوجه به این که اقبال خرده بورژوازی در عطف کسب قدرت و آزمودن شانس خود در هدایت کشورها، ضمن این که اساسا راهی جز دست یافتن به ثروت و مکننت و تبدیل شدن کامل به سرمایه داران بزرگ ندارند بر این اعتقادند که آنها هم باید حق شرکت در حاکمیت داشته باشند.

از نظر تاریخی، خرده بورژوازی در حدی که به درون طبقه کارگر و احزاب کمونیست رخنه کرد، ولی متحد دیدگاههای خودش را در کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست نیافت و به همین علت دست در دست بورژوازی جهانی و بورژوازی باقی مانده در شوروی و چین در سرنگون سازی دولتهای سوسیالیستی موفق از آب درآمد. اما خرده بورژوازی اکنون نه به قصد سرنگون سازی سرمایه داران بزرگ انحصاری، بلکه در آرزوی نشستن در کنار راس صدارت و در همکاری با سرمایه داران بزرگ رویاهای شیرین می بیند!!

در مقابل تمام این آشفته گیهای جهانی سازی، ناسیونالیسم، راسیسم، فاشیسم، و بربریت ، بایستی به اهتزاز درآوردن پرچم پیروز سوسیالیسم در دست طبقه کارگر به طور استواری برافراشته نگه داشته شود، در غیر این صورت، دوره ملو از تضاد و آشفته گی و خطرات جنگهای ویرانگر صدها میلیونی و نابودی محیط زیست در جلو همه قرار دارد. در عین حال برای تغییر کل نظام طبقاتی بورژوازی جهان، وقت تصمیم گیری مبارزه برای تحقق سوسیالیسم و پایان دادن به نظامهای متکی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله از بیش از ۱۰۰ سال گذشته فرا رسیده است.

نورافکن پرقدرت بشریت در مورد "پرولتاریای همه ی کشورها متحد شوید" امروز بیش از هر زمان دیگر رهنمود دایمانه ی مارکس و انگلس را باید در عمل محکم به دست بگیریم تا شاهد و ناظر بربریت کامل نظام تحمیلی سرمایه داری نگردیم.

ک.ابراهیم - ۱۶ مارس ۲۰۱۷



شدند. در این راستا با حمایت پوشیده حاکمان از گرایش فاشیستی علیه پناهندگان در حد به آتش کشیدن خانه های مسکونی پناهنده گان و مساجد مسلمانان، رونق ایجاد و گسترش احزاب خارجی ستیز و حتا پرورش دادن تروریستها برای توجیه مداخلات نظامی امپریالیستها فراهم شده است.

تولد احزاب ناسیونالیستی راست و رشد سریع آنها به ویژه حمایت آنان از خواست اقلیتها و تروریستها در امید دست یافتن به قدرت دولتی روزبه روز نمایان تر گشته است. جالب اینجاست که بعد از گرایش هرچه هماهنگ تر احزاب سوسیال دموکرات با نظام امپریالیستی، با عدم هماهنگی با رشد خواست مطالبات مردم و ناتوانی این احزاب در دادن برنامه هایی به نفع کارگران و زحمت کشان، زمینه برای از دست دادن پایه های توده ای و تدریجا رو به افول این احزاب مساعد شده است. انشعابات حزبی سوسیال دموکرات به دو بخش راست و چپ به تضعیف آنها انجامیده و بدین ترتیب ناتوان از جلب مردم به سوی حمایت از خود، این احزاب رو به تحلیل گذاشته اند.

در انتخابات پارلمانی اخیر هلند شکست سختی بر حزب سوسیال دموکرات وارد شد و پوپولیستهای ضد پناهنده گان که مورد تبلیغ وسیع در تبدیل شدن حزب پوپولیست فاشیست مسلک به قدرت نیرومندتر انجام گرفت، ولی قادر به کسب اکثریت و زیر سؤال بردن عضویت هلند در اتحادیه اروپا نشد و با کسب اکثریت ضعیف این حزب، مدافعان سابق حاکم هلند با باقی ماندن در راس قدرت، در حفظ اتحادیه اروپا، به خصوص دولت آلمان نفس راحتی کشید.

انتخابات فرانسه نیز در ماه آینده در راه است و حزب ناسیونالیست افراطی راست برهبری خانم مارین لوپن نیز در صورت پیروزی، حاضر است طبل جدائی از اتحادیه اروپا را همانند هیئت حاکمه انگلیس به صدا درآورد، در حالی که فرانسه از پایه گذاران اصلی اتحادیه اروپا همراه با آلمان از ابتدا بود.

در آلمان نیز حزب سوسیال دموکرات به دو بخش چپ و راست در دهه ی اول قرن ۲۱ تقسیم شد، ولی با وجود رشد نیروهای فاشیستی، به دلیل قدرت تعیین کننده آلمان در اتحادیه اروپا هنوز حفظ این اتحادیه از طرف آنجلا مرکل صدراعظم آلمان پیش برده می شود و در صورت احتمالا ضعیف پیروزی مخالفان اتحادیه اروپا در آلمان، باید



ی عامه پسندی است که این توهم را در میان رای دهنده گان ایجاد می کند که گویا در اداره کشور رای آنها تاثیر گذار است!! درحالی که با وجودی که کارگران و زحمت کشان جهان در کلیه کشورها ی سرمایه داری تعداد حق رای دهی اکثریت بیش از ۷۰٪ آراء می باشند، حتا یک بار هم نتوانسته اند به عنوان اکثریت به مجلسها و کاختهای دولتی راه یابند.

مگر نه این است که هم اکنون در ایران نامزدهای ریاست جمهوری با غربال ۱۲۶ نفرتوسط شورای نگهبان تنها کسانی می مانند که جزئی ازحکومتند و ادامه حاکمیت خونبارشان را تداوم می بخشند؟

اگر به این واقعیت اعتقاد داشته باشید، باید علیه ممانعت از معرفی نامزدهای غیر حکومتی اعتراض کنید. برای جلوگیری از تقلب آراء که از جمله تا حد شمارش رای مرده گان، تعویض رایهای باطل به سود نامزدهای حکومتی، رایج است باید کنترل صندوقهای رای توسط افرادی غیر حکومتی از میان کارگران و زحمت کشان، در هر حوزه ی رای گیری و جلوگیری از افتادن صندوقهای رای به دست عوامل دولتی صورت گیرد. در غیراین حالت و درمقابل این تجاوز آشکار به حقوق مردم «جواب خلق همان آبدیده شمشیر است!» این انتخابات نیز باردیگر نشان خواهد داد که پاشنه در به همان شیوه سابق می چرخد: همان طور که در عرصه ی اقتصادی و مطالباتی، رژیم نوکر مناسبات سرمایه داری، مستبدانه ۵ برابر زیر خط فقر مزد بخور و نمیر را به کارگران تحمیل کرده اند، در عرصه ی سیاسی نیز برای حفظ حاکمیت این نظام طبقاتی، تحمیل اطاعت کورکورانه موجود فاسد، حق انتخاب اصلح مردم را سلب کرده و از میان بدترینهای حکومتی، انتخاب جدیدی را سرهم بندی می کنند. کارگران و زحمت کشان ۱۰۰ سال پیش - در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه - انتخابات نوع شورائی را که در آن مستقیما تمامی نامزدها از هر میدان کاری از نظرکیفی شناخته شده انتخاب فرد اصلح را اختراع کردند تا نماینده گان راستین آنها در راس امور قرار گیرند و درعین حال قابل تعویض بودن نماینده گان منتخب را هر وقت از خواست منتخبین شان عدول کنند، کنار گذاشته می شوند و نماینده جدید قبل از پایان دوره انتخابات جای گزین می گردند. برای تحقق چنین روش انقلابی انتخاباتی باید کلیه کارگران و زحمت کشان مبارزه کنند و قاطعانه رسوائی انتخاباتی کنونی را در جهان و در ایران آشکار ساخته

و این روش انتخاباتی را شایسته انداختن به زباله دانی تاریخ معرفی کنند.

پیش به سوی افشای انتخابات ضد دموکراتیک ریاست جمهوری اسلامی ایران!

برافراشته باد پرچم سرخ انتخابات نوع شورائی دموکراتیک ترین خواست کارگران! نامزدهای رژیم جمهوری اسلامی، انتخاب نامزدهای اصلح توده ها نیستند!

انتخابات بدون وجود آزادی تشکلهای کارگری، انتصابات وفیحانه از بالا است! زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران

اول اردیبهشت ۱۳۹۶



ضرورت درهم شکستن استعمار پُست مدرن

کشورهای پیشرفته اروپای مجهز به کشتیهای توپ دار از ۵۰۰ سال پیش با عزم جهانخواری به پیاده کردن نیروهای مهاجم خود در جهان شروع کردند و ازجمله در قاره های کشف شده آمریکا و اقیانوسیه و مستعمره ساختن کشورهای زیادی در آفریقا و آسیا تا آنجا که درتوان داشتند چنان به غارت منابع جهان و سلطه بر این کشورها به سود خود پرداختند که تا حد دزدیدن نیروی کار به مثابه برده از آفریقا و بردن آنها به طرز وحشیانه ای به آمریکا، همراه با ازبین بردن بخش بزرگی از سرخ پوستان آمریکا و آبرزینهای استرالیا حاکمیت خود را برجهانیان تثبیت نمودند.

با بالا رفتن درک مردمان جهان در بیرون راندن این تجاوزگران حریص ناخوانده اروپائی و رشد تشکل یابی استقلال طلبانه از نیمه دوم ۱۷۵۰ به بعد با مبارزه مسلحانه علیه استعمارگران کهن آغاز شد و در ۱۹۰۰ این مبارزات چنان تا حد مبارزه مسلحانه اوج گرفتند که کشورهای مستعمره و یا نیمه مستعمره استقلال یافتند. در شرایط عقب مانده گی این کشورها استقلال نسبی سیاسی برای پیشروی تحت حاکمیت فنودال بورژوائی کافی نبود. در عرصه ی اقتصادی در بسیاری از این کشورها استعمارگران کهن با واردکردن اندکی صنایع غیر مادر نظیر مونتاژی از کشورهای سابقا مستعمره به استعمارنو وابسته تبدیل نمودند. تدریجا با رشد صنعت در کشورهای وابسته به امپریالیسم و بوجود آمدن طبقه کارگر،

نیروی ارزان عظیمی دراین کشورها به وجود آمد. استعمارگران نودر چند دهه ی اخیر گام درمرحله ی جدید استعمار پُست مدرن نهادند. اما این دید غارتگرانه امپریالیستی با مقاومت جدید طبقه کارگر جهانی روبه روشده است. دست یابی به آگاهی طبقاتی در رهائی از استثمار و ستم حاکمان درونی و امپریالیستهای استعمارگر پُست مدرن، مبارزه برای درهم شکستن نظامهای فنودالی - سرمایه داری تا سطح رهبری توده های مردم از مرحله استعمارکهن و نو توسط احزاب کمونیست با پیروزی انقلاب سوسیالیستی، انقلاب دموکراتیک نوین و نقطه پایان گذاشتن به استقلال صوری وابسته ماندن، رسید. و اکنون گام برداشتن در سطح رهائی جهانی برای نابودی هرنوع مستعمره سازی کشور با کشور دیگر فراهم شده است. این حیله گری رسوای مدافعان نظم نوین جهانی با صدور سرمایه به کشورهای عقب مانده، با به کارگیری شیوه "با پنبه سربریدن" چنان فقر و فلاکت عظیمی را در جهان بوجود آورده اند که شکاف بین داراها و ندارها ابعادی عمیقی به خود گرفته که زمینه بیش از هر زمان دیگری به برپائی حریقهای جهانی در سوزاندن ریشه نظام امپریالیستی نزدیک می شود. زیرا اگر در دوران حاکمیت فنودالی زمانی طولانی لازم بود تا نیروهای انقلابی از مرحله ی حاکمیت فنودالی - سرمایه داری با مبارزه رهائی نسبی صورت گیرد، با رشد نظام سرمایه داری به مرحله ی امپریالیسم و استفاده از تکنولوژی و علوم پایه ای، چنان تحرکی در عرصه ی تولید و مبادلات بوجود آمد که انعکاسش درپیشرفت آگاهی در میان توده های مردم بود و دقیقا به همین دلیل نیز استعمارگری پُست مدرنی نیز زمینه را برای تهیه تابوت مرگ و چکش زدن نهائی به آخرین میخهای آن مناسب ساخته است.

مبارزه علیه حاکمیت سرمایه داران در کشورهای عقب مانده و یا علیه امپریالیستهای جهانی و تلاش برای متحد شدن مبارزه طبقاتی کارگران و زحمت کشان جهت به پیروزی رساندن انقلاب کارگری و استقرار سوسیالیسم، ازبین بردن نابرابری طلبی های نظامهای مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله، نابودکردن از خود بیگانه شدن، از هم دریدن فرقه گرانیها و نخبه گرانیها با تبلیغ دید توده ها سازنده گان اصلی تاریخند قدرت تغییر جهان به سود توده ها را دارند و زنده باد مالکیت عمومی با به گور سپردن مالکیتهای خصوصی و خودخواهی



هان جنبشی ... بقیه از صفحه آخر

گیرند که ۵۰۰ میلیون تومان هزینه می شود. کسی اینرا می گوید که پارتی بازی یکی از کارهای کثیف و خیانت باری توسط وی است که سیستم اجتماعی ایران را به فساد کامل اداری کشیده است. فامیل های این آخوند فریبکار تقریباً در همه ارگان های دولتی دارای مسئولیت های کوچک و بزرگ هستند.

این رئیس نوکر سرمایه با قیافه مظلوم گرفتن می داند که علاوه بر نان خشک نداشتن، جهمی به اعتقاد خودشان برای زنان و دختران توسط جمهوری اسلامی ایجاد شده است.

روزنامه مردم سالاری تنها دربخش نان شب پیدا کردن برخلاف میل و رغبتشان، اعلام کرد: "درسالهای اخیر بازار فحشا شکل جدیدی پیدا کرده است. علاوه بر زنان و دختران دربخشهایی از تهران دیده شده است که پسران نیز در ازای دریافت پول خود را به زنان متمدول می سپارند!". (آسمان دیلی نیوز ۱۷ اسفند ۹۵)

به قول شاعر انقلابی آذربایجان دردوران انقلاب مشروطیت به استهزاء ماهیت ریاکارانه شیخان را در شعر افشاگرانه ای برملا می کند تا نشان دهد که مردم را بجای حق ستانی به آسمان پناه ببرند:

دیروز کبله قنبر می گفت روی منبر --- این سرنوشت ما را دست قضا نوشته!
ولی به طور مثبت و مستدل شاعر کمونیست - ابوالقاسم لاهوتی - قدرت و توانائی کارگر و دهقان را بیان کرده و وحدت مبارزاتی آنان را می ستاید:

نُود ار دوازوی کارگر، نُود ار که زحمت رنجبر --- نُود این جهان، نُود این بشر، نُود این تمول اغنیا به دو دست پینه دار تو، این شعر نه براساس ذهنیگری و احساسات شاعرانه آسمانی، بلکه بیان واقعیت موجود سروده شده است و باید اذعان کنیم که حاکمان سفاک با توسل به نیروهای مسلح سرکوبگر و با تشویق قلم به دستان نوکر زور و زر و شیخان ریاکار، انسانهای کار و زحمت را به ناتوان بودن و محتاج به "بذل و بخشش" سرمایه داران ترغیب و تشویق نموده و در این وادی مخرب، هنوز طبقه کارگر و زحمت کشان اعتقاد راسخ و استوار دماوند ماندنی پیدا نکرده اند که با متشکل شدن و یورش به کاخهای ستمگران می توانند این بساط پوسیده هزاران ساله ی استثمار و ستمگری مثنی حاکمان طبقات مالک وسایل تولید و مبادله را از پهنه



را تقویت کنید!

کارگران همه کشورها متحد شوید، کارگران تمام کشورها و مردم ستمدیده، متحد شوید!

ایکور را تقویت کنید!

امضا کنندگان (از ۳۱ مارس، سال ۲۰۱۷، امضا های آتی ممکن می باشد):

۱- ORC سازمان انقلابی کنگو، جمهوری دموکراتیک کنگو

۲- MMLPL خط پرولتری مارکسیست-لنینیست مراکش

۳- (ML) حزب کمونیست CPSA آفریقای جنوبی (مارکسیست-لنینیست)

۴- PPDS حزب میهنی سوسیالیست دموکراتیک تونس

۵- سازمان مارکسیست-لنینیست MLOA افغانستان

۶- CPB حزب کمونیست بنگلادش

۷- (ML) ستاره سرخ حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست)

۸- حزب رنجبران ایران

۹- NCP (مشعل) حزب کمونیست نپال

۱۰- APTUF فدراسیون اتحادیه های کارگری پاکستان

۱۱- NDMLP حزب نوین دموکرات مارکسیستی-لنینیستی، سریلانکا

۱۲- گروه انقلابیون کمونیست "در Krasnyj ها Klin" [قرمز گوه]، بلاروس

۱۳- حزب کمونیست بلغارستان

۱۴- MLPD حزب مارکسیست لنینیست آلمان

۱۵- سازمان کمونیستی یونان

۱۶- سحر سرخ، هلند

۱۷- بستر های نرم افزازی مارکسیست-لنینیست، روسیه

۱۸- گروه مارکسیست-لنینیست از سوئیس

۱۹- حزب کار، یوگسلاوی (سابق)

۲۰- حزب کار - بوسنی و هرزگوین

۲۱- حزب کمونیست کلمبیا - مارکسیست لنینیست مائونیست

۲۲- حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست، جمهوری دومینیکن

۲۳- حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) پاناما

۲۴- حزب کمونیست (مستقل) پاراگوئه

۲۵- PML حزب مارکسیست-لنینیست پرو

۲۶- PPP حزب پرولتری پرو

۲۷- سازمان کمونیستی لوکزامبورگ

۲۸- حزب بلشویک (شمال کردستان و ترکیه)

امضا پس از تاریخ انتشار:

۲۹- حزب نوین کمونیست هائیتی (مارکسیست-لنینیست)

امضا اضافی (غیر ایکور):

Trotz alledem! آلمان



های فردی از طریق مبارزه بی امان علیه آنانی که بخواهند نظامهای ظلم و جور گذشته را به اجرا درآورند، تنها راه رهایی از وضعیت نکبت بار کنونی است.

ک. ابراهیم
۳ فروردین



در جنبش جهانی ... بقیه از صفحه آخر

اعتراضی در این روز به منظور نشان دادن همبستگی بین المللی و وحدت بین المللی کارگری علیه دولت فرا ارتجاعی هندو-فاشیستی مودی می باشد. تجربیات کارگران هماهنگی مبارزات بین المللی پراکنده و ناهمگون را از ما می طلبد.

دولت روسیه از پلیس و شبه نظامیان علیه مبارزات بحق کارگران معدن روسیه "زغال سنگ" در Gukovo جهت پرداخت غرامت پس از بسته شدن کارخانه استفاده میکند. آنها راه ها را به شهر مسدود کرده و به کارگران معدن حمله می کنند.

با تصاحب شرکت اوپل توسط PSA ده هزار شغل در آلمان و فرانسه در معرض خطر می باشد؛ مبارزین کارگر از مبارزه برون مرزی دفاع می کنند.

به عنوان سازمان همکاری عملی و هماهنگی، ایکور مبارزه برون مرزی طبقه کارگر را در پرتو شعار کارل مارکس و ولادیمیر ایلیچ لنین "کارگران تمام کشورها متحد شوید!" و در میان چیزهای دیگر از تشکیل سازمان هماهنگی بین المللی کارگران خودرو (ماشین سازی)

(www.iaar.de/index.php/en/)

و هماهنگی بین المللی کارگران معدن (www.minersconference.org/index.php/en/)

تبلغ می کند.

۱۰۰ سال پس از پیروزی انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ در روسیه ما درس مهمی را یاد میگیریم: طبقه کارگر باید مبارزات جامعه را برای تغییر رهبری کند، در جنبش انقلابی! کارگران تنها با یک رهبری نیرومند انقلابی حزب مارکسیستی - لنینیستی در پیوندی فشرده، بصورتی پایدار و محکم مؤفق میشوند! **هماهنگی و وحدت بین المللی کارگران**



ی این کاخهای زجر و خون ایران به زیر بکشند.

پیدا کردن این اعتماد به نفس و اعتقاد راسخ به پیش بردن مبارزه سرنگون ساز علیه حاکمیت نظام سرمایه داری ایجاب می کند کارگران آگاه و فعال کمونیست با قاطعیت تمام علیه فرقه بازی حتا در درون جنبش کارگری طرد کنند. زیرا بنیادین زمینه مادی در درون طبقه کارگر وجود ندارد تا سم فرقه و یا نخبه گرایی افکار ضد طبقاتی دشمنان در میان طبقه کارگر مانع وحدت کارگران شوند. بلندکردن شعار وحدت مبارزاتی طبقه کارگر در شرایط کنونی روی اصول کمونیستی جوش دادن آهنهای جدا از هم افتاده طبقه کارگر در ساختن بنای استوار جدید پرولتاری در سرتاسر ایران در برنامه تلاش کارگران باید باشد.

بنابراین نیروی عظیم طبقه کارگر با محکم به دست گرفتن تئوری انقلابی کمونیسم علمی و تلفیق آن با شرایط مشخص ایران، آموزش و پرورش دادن هر چه بیشتر کارگران در اعتقاد به توانائی این طبقه در تغییر بنیادی نظام مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله در تبدیل آن به مالکیت اجتماعی، راه گشای آینده جامعه ۸۰ میلیونی فارغ از مثنی استثمارگر و سرکوبگر می باشد. طبقه کارگر پیشروترین طبقه جامعه است که منافع خصوصی نداشته و هدفی جز خدمت به رهائی مردم از استثمار، ستم و سرکوب افسار گسیخته ندارد. با انقلاب کارگری و برقراری کشوری سوسیالیستی، ایجاد کشوری آزاد، برابر و شکوفان رهائی توده های محنت زده ایران را با دستهای سازنده باهم برقرار خواهند کرد.

آرزوی احساسات انقلابی شاعر کمونیست فوق را با درک و به کارگرفتن راهنماییهای کمونیسم علمی به عمل درآوریم و نشان دهیم که کلید گشودن این در بسته شده به روی آینده در دست طبقه کارگر است.

ک. ابراهیم

۱۸ اسفند ۱۳۹۵



پیرامون پدیده ترامپ... بقیه از صفحه آخر

به چرائی و چگونگی فراز درخشان جنبش "مقاومت" (که هدف اصلی اش براندازی نظام جهانی سرمایه داری و استقرار جهانی بهتر و دیگر با چشم اندازهای سوسیالیستی است)، میپردازیم.

تاریخ فرهنگ سیاسی طبقات حاکمه در آمریکا و مؤلفه های آن

واضح است که فرهنگ سیاسی محصول طولانی مدت تاریخ بوده و لاجرم در هر کشوری ویژگی های مشخص آن کشور را در بر می گیرد. فرهنگ سیاسی کشور آمریکا بدون تردید و بروشنی متفاوت از فرهنگ های سیاسی بسیاری از کشورهای جهان منجمله کشورهای اروپائی است. نگاهی به تاریخ تکامل فرهنگ سیاسی آمریکا نشان میدهد که این فرهنگ بر اساس چهار واقعه مهم و پی آمدهای آنان نضج گرفته و گسترش یافته و امروز در شکل و شمایل پدیده ترامپسم (یا فاشیزم آمریکایی) بر مسند امور نشسته است.

این وقایع اساسی عبارتند از:

- ۱- ایجاد و استقرار مستعمره نیوانگلند توسط بنیادگرایان اروپائی متعلق به سکت های پروتستان در خاک آمریکا در اوایل قرن شانزدهم میلادی
 - ۲- نسل کشی مرمان بومی آمریکا در طول قرن شانزدهم و ادامه و تشدید آن در قرون هفدهم و هیجدهم
 - ۳- حمله به قاره آفریقا بویژه بخش غربی آن و انتقال مردمان آن دیار بعنوان برده و رواج برده داری در قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی و
 - ۴- رواج و گسترش جامعه ایکه در آن مردم متعلق به ملیت ها و تبارهای مذهبی و نژادی مختلف جدا از هم تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم زندگی میکردند. این وضع که تا دوره دو جنگ جهانی (۱۹۴۵-۱۹۱۴) پر از ظلم و ستم از سوی هیئت های حاکمه بطور مدام علیه اقلیت های نژادی و تباری و دینی در آمریکا اعمال می گشت بالاخره با مقاومت و مبارزه از سوی محرومین روبرو شد و هنوز هم ادامه دارد.
- این امر یک واقعیت تاریخی است که در سراسر تاریخ مردمان و خلق های بیشمار ستمدیده زمانی که شاهد ظلم و ستم از سوی هیئت های حاکمه مقتدر میگرددند دست به مقاومت و قیام علیه حاکمین میزنند. بررسی تاریخ نشان میدهد که این مقاومت ها و

مبارزات نه همیشه بلکه در اکثر مواقع منجر به پیروزی و دگرذیسی در جوامع متعدد و گوناگون گشته اند. در این امر آمریکا نیز استثنا نبود.

در آمریکا توده های ستمدیده و مظلوم در متجاوز از نیم قرن پیش دست به مبارزه و مقاومت زدند که قابل تأمل هستند. شایان ذکر است که در مرحله اول این مقاومت از سوی توده های ستمدیده علیه ستم هیئت حاکمه، عموماً بصورت عدم شرکت در انتخابات و همچنین درگیری های اجتماعی تجلی می کرد. این نوع مقاومت ها عمدتاً در مناطق دهقانی و کشاورزی (در حومه های شهرهای بزرگ) و در داخل شهرها میان افراد بیکار و محروم رواج داشت. در مرحله بعدی بویژه بعد از پایان دوره "جنگ سرد" و آغاز دوره بعد از "جنگ سرد" (از ۱۹۹۱ تا کنون) مقاومت ها در شکل و شمایل تشکل ها و سازمان های سیاسی ظهور کردند. جنبش "حزب چای" از سوی محافظه کاران و نومحافظه کاران از یکطرف و جنبش "تسخیر والاستریت" از طرف دیگر مجموعه قابل توجهی از چپ های سوسیالیست در دهه اول قرن بیست و یکم بخش اعظمی از ستمدیگان را درگیر انتخابات و فعالیت های سیاسی در جامعه آمریکا ساختند.

علیرغم این موقعیت ها هم "حزب چای" راستگرا و هم "جنبش تسخیر" متعلق به چپ به خاطر فقدان استراتژی های روشن نتوانستند دوام آورده و در جریان سال های ۱۵-۲۰۱۰ پراکنده گشتند. به نظر نگارنده ظهور و فراز برنی سندرز از کمپ چپ توده های به ستوه آمده از یک سو و داند ترامپ از کمپ راست ناسیونالیسم پوپولیستی (فاشیستی نوع آمریکا) از سوی دیگر منبعث از فعل و انفعالات سیاسی بین توده های مردم در سال های ۱۷-۲۰۱۰ بود.

برنی سندرز و یارانش از اولین روزهای شرکت فعال در کمپین های انتخاباتی دقیقاً به این امر آگاهی داشتند که هیئت حاکمه آمریکا (اولیگارش) "انحصارات پنجگانه" تحت هیچ شرایطی حتی به بخشی از برنامه های انقلاب سیاسی سندرز تن در نخواهند داد. ولی آنها بدون آنکه در توهم فرورفته باشند بر آن بودند که در این مبارزه طولانی برای تدارک انقلاب سیاسی (البته با چشم اندازها و برنامه های سوسیالیستی) مؤفق به برداشتن قدم اول در مسیر آن خواهند گشت و آن تابوشکنی در جامعه آمریکا بویژه در دوره های مختلف انتخاباتی



برای ریاست جمهوری خواهد بود. امروز که در آستانه صدمین سالگرد انقلاب پیروزمند اکتبر ۱۹۱۷ هستیم، اقتدار مختلف طبقات توده ای در آمریکا بویژه جوانان و کارگران برای اولین بار در صد سال گذشته بدون ترس و هراس از سوسیالیسم و مؤلفه های آن به نیکی از آنها تعریف و تمجید کرده و در اکثر مواقع خود را سوسیالیست معرفی می کنند. این تابو شکنی بدون تردید مدیون فعالیت های بیدریغ سندرز و یاران وفادار او در جامعه پر از آشوب و متلاطم آمریکاست: آشوب و تلاطمی که از سوی دیگر شرایط را برای نیروهای راست آماده ساخت که در پرتو آن داندل ترامپ از موضع به غایت راست فاشیستی بر طبل مبارزه علیه وضع موجود کوبیده و در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۱۶ برنده اعلام گردد.

این واقعیت که ترامپ در مقتدرترین کشور نظامی جهان موفق به اتخاذ مقام ریاست جمهوری (چه از طریق انتخابات معمولی و یا از طریق انتصاباتی اولیگارشیک) و یا از طریق انتصاباتی اولیگارشیک (پنجگانه) گشته، تمام نیروهای راست افراطی منجمله فاشیست ها را در اکثر کشورهای اروپای اتلاننیک ترغیب و امیدوار ساخته که آنها نیز از طریق چه انتخابات معمولی و یا انتصاباتی در آینده ای نزدیک می توانند در کشورهای فرانسه، هلند، و .. (البته با حمایت و عنایت ترامپ) بر مسند قدرت بنشینند.

علت موفقیت ترامپ در غصب مقام ریاست جمهوری هنوز هم بعد از سه ماه از سوی اکثریت وسیعی از رهبران دو حزب حاکم و طرفدارانشان بدرستی فهمیده نشده است. این رهبران هنوز هم در این توهم غوطه میخورند که ترامپ بالاخره از رهبری جنبشی که براه انداخته دست برداشته و رهبری حزب و وظایف مقام خود را به سان یک رئیس جمهور سنتی پذیرا خواهد گشت. این مفسرین و سیاستمداران متعلق به جناح محافظه کاران و جناح لیبرال ها هنوز قادر نیستند دریابند که ترامپ زمانی که دست به یک عقب نشینی (مثل سخنرانی اش در کنگره آمریکا در ۲۸ فوریه) میزند، دقیقاً یک تاکتیک فریب آمیزی است که رهبران جنبش های فاشیستی به آن متوسل میگردند و خواست اش همانا رهبری جنبش و نه رهبری حزب مشخص و مدیریت یک دولت است.

جنبش "مقاومت" بر علیه ترامپ

در یک سال و نیم گذشته اکثریت وسیعی

از اقتدار مختلف متعلق به طبقات و اقشار توده ای (بویژه کارگران، دانشجویان، زنان و اقلیت های نژادی و اتنیک) در تقابل با پدیده ترامپ و جنبش او دست به ایجاد یک جنبش ضد ترامپ RESIST زده اند که به اسم (مقاومت کن) معروف گشته است. شرکت کنندگان در این جنبش که نزدیک به صد سازمان، کانون، اتحادیه، حزب و ... هستند همگی متفق القول می باشند که تنها استراتژی که امکاناً ترامپ را مهار کرده و بالاخره به شکست ترامپسیسم خواهد انجامید، ایجاد یک جنبش اجتماعی است که خواهان ارزش ها و ارجحیت هایی باشند که با ترامپ متفاوت باشند. تا کنون که از تولد و رشد این جنبش نزدیک به یک سال و نیم میگذرد ما شاهد پیروزی های قابل توجهی از سوی این جنبش گشته ایم که در تاریخ صد سال گذشته آمریکا بی نظیر و بی همتا بوده است. این پیروزی زمانی بیشتر قابل شناخت میگردد که توجه به این امر بکنیم که رسانه های گروهی جاری بویژه بخش مطبوعاتی آن که عمدتاً جنبش های سیاسی و اجتماعی ضد وضع موجود را بکلی نادیده میگردقتند، امروز موجودیت و فعالیت های این جنبش را گزارش میدهند. به نظر این نگارنده دشمنی دائمی و روزانه ترامپ و ترامپیست ها با رسانه های گروهی از این امر سرچشمه می گیرد که رسانه های جاری با این عمل خود (خواسته و یا ناخواسته) موجودیت "مقاومت" را بطور روزانه در اختیار مردم آمریکا قرار میدهند. بعید به نظر نمیرسد که دشمنی ترامپ با رسانه ها در واقع با هدف شکست و نابودی و سرکوب جنبش مقاومت باشد.

مسأله اصلی که "جنبش مقاومت" را تهدید میکند این است که در حال حاضر این جنبش بعد از یک سال تولد و رشد هنوز در مرحله ای قرار دارد که اکثریت گروه ها و فعالین آن نتوانسته اند یک استراتژی روشن در ارتباط با براندازی جنبش ترامپ را به مردم آمریکا (که اکثراً بطور روز افزون از وجود فاشیزم در کاخ سفید بیزار میگردند) ارائه دهند. علیرغم این کمبود، جنبش مقاومت در طول یک سال گذشته (از زمستان ۲۰۱۶ تا کنون: ماه مه ۲۰۱۷) در فعالیت های متنوع و چند جانبه شرکت کرده که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- راه پیمایی های چشمگیر و فراگیر در روزهای مراسم روز بین المللی زنان و کارگران

۲- به زیر سؤال کشیدن فساد و جنایت های سران و نمایندگان کنگره آمریکا و اعضای

اولیگارشیک انحصارات پنجگانه در مجامع و جلسات عمومی
۳- ایجاد سکونت گاه ها در سراسر آمریکا برای مهاجرین بویژه پناهنده که از سوی دولت آمریکا مورد هجوم و شکنجه قرار گرفته اند

۴- مقاومت در مقابل امواج خصوصی سازی ها و ریاضت کشی ها از سوی دولت ترامپ و مبارزه در جهت استقرار نهادهای عمومی در حیطه های آموزش و پرورش، طب و بهداشت و وسایل نقلیه و ایاب و ذهاب برای کارگران، کشاورزان و دیگر تهیدستان در آمریکا که تعدادشان روزانه بطور چشمگیری به خاطر بلای بیکاری منبعت از سیاست های خصوصی سازی و ریاضت کشی کاخ سفید، در حال افزایش است

۵- مقاومت همراه مبارزه بر علیه هر نوع نژادپرستی که توده های مردم بویژه کارگران را از هم جدا ساخته و به آنها صدمه میزند

۶- جلوگیری از اخراج پناهندگان و مهاجرین که اکثریت عظیم شان کارگر هستند و تعداد آنها در آخر سال حکومت ترامپ به میلیون ها نفر کارگر خواهد رسید

۷- پایان دادن به حبس میلیون ها نفر در زندان های خصوصی و عمومی آمریکا در سال های اخیر که عمدتاً سیاهان آمریکایی، لاتینوهای مهاجر و بومیان آمریکایی هستند
۸- مبارزه همراه با مقاومت علیه جنگ های امپریالیستی نظام جهانی سرمایه داری (امپریالیسم سه سره) بویژه رأس آن آمریکا در پنج قاره جهان که بطور مدام در شک و شمایل "مرئی" و "نامرئی" روزانه افزایش می یابند و ...

جمع بندی و نتیج اینکه

آنچه که بخش قابل توجهی از رهبران و حامیان جنبش مقاومت میخواهند در بین مردم آمریکا در مبارزه علیه پدیده ترامپ رواج داده و تعمیق سازند، آشنائی بیشتر با چهارچوبی (متن و بطن) است که جهان ما در درون آن قرار دارد. بطور اجمالی این چهارچوب و موقعیت کنونی آن بقرار زیر است:

۱- امروز ما مردم جهان در آستانه یک گذار ساختاری تاریخی از نظام جهانی سرمایه داری : امپریالیسم (که نزدیک به صد و پنجاه سال در درون آن زندگی کرده ایم) به دو راهه بدیل هستیم: یک نظامی است که تمام ویژگی های درنده تر و هارتر سرمایه داری (هیرارشی تر، استثمارتر و

به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!
سایت حزب رنجبران

www.ranjbaran.org
سایت آینه روز

www.ayenehrooz.com
سایت خبرنامه کارگری

www.karegari.com
سایت رنجبر آنلاین

www.ranjbaran.org/01_ranjbaronline
سایت آرشیو روزنامه رنجبر

<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

▶ شکاف انگیز تر و لاجرم با بی عدالتی اجتماعی بیشتر) را اعمال خواهد کرد. دومی نظامی است که جنبش مقاومت در تضاد و تقابل با نئوفاشیسم حاکم بر کاخ سفید بالاخره موفق به ایجاد آن خواهد شد: نظامی که پایه گذاران و رهروان آن (تمامی بدنه اصلی جنبش مقاومت) به خوبی میدانند که جای هیچگونه مصالحه ای با نظام حاکم وجود نداشته و تنها راه رهایی بشریت براندازی آن است.

۲- با اینکه ما در جهانی پر از آشوب و تلاطم و سردرگمی زندگی میکنیم ولی حامیان و رهروان جنبش مقاومت عمیقاً بر آن هستند که براندازی نظام حاکم سرمایه داری جهانی (امپریالیسم سه سره) از سوی "مقاومت" همراه با مبارزات فراگیر علیه نئوفاشیسم ساکن کاخ سفید نه تنها ضروری و لازم است بلکه ممکن و حتی محتمل است. بر ماست که متحداً وقوع این واقعه تاریخی ممکن و محتمل را به یک امر اجتناب ناپذیر نیز تبدیل کنیم.

منابع مآخذ

- ۱- جان بلامی فاستر، "نئوفاشیسم در کاخ سفید"، در مجله "مانتلی ریویو" سال ۶۸ شماره ۱۱ (آوریل ۲۰۱۷)
 - ۲- سمیر امین، "ایدئولوژی آمریکائی" در هفته نامه "ال اهرام" ۱۵ تا ۲۱ ماه مه ۲۰۰۳
 - ۳- امانوئل والرشتاین، "جنبش مقاومت: چرا و چگونه؟" در سایت دانشگاه بیگمن، نیویورک، اول آوریل سال ۲۰۱۷
 - ۴- سمیر امین، "انتخاب داندل ترامپ" در سایت "مانتلی ریویو" یازده نوامبر ۲۰۱۶
 - ۵- ریچارد همپلتن، "کی ها به هیتلر رأی دادند؟" پریستون یونیورسیتی پرس، ۱۹۸۲
- ن.ناظمی





در جنبش جهانی کمونیستی

آزادی برای کارگران ماروتی سوزوکی-!
زنده باد اتحاد بین المللی کارگران!

قطعه نامه ایکور. ۱۶، مارس، ۲۰۱۷

در ۱۸ مارس سال ۲۰۱۷، ۱۳ نفر از کارگران شرکت ژاپنی-هندی، ماروتی سوزوکی-در هند با اتهامات کاذب ارتکاب به قتل به حبس ابد محکوم شدند، ۱۸ نفر به زندانهای طولانی مدت محکوم شدند. فقط چند ساعت بعد ۳۵۰۰۰ کارگر دست

به اعتصاب علیه این حکم مفتضح زدند. فرآخوانی برای یک روز اعتصاب در سراسر کشور در تاریخ ۴ آوریل داده شده است. ایکور از این روز اعتصاب پشتیبانی کرده و خواستار سازماندهی اقدامات همبستگی در سراسر جهان می باشد. تنها "جرم" این کارگران رهبری یکی از اولین اعتصابات "نیروی کار هسته ای" که در مقیاس بین المللی بسیار مهم بر علیه اخراج کارگران قراردادی و در سازماندهی اتحادیه صنفی مبارز MSWU علیه کلیه سرکوب

هان جنبشی از خویش که نیروی سرائید!

میلیاردها تومان دزدی از "بیت المال" اعوان و انصارشان را اقرار کنند، بدون این که حساسیتی که درقبال انتقام گیری از آفتابه زدها نشان داده اند، این حساسیت را درمقابل میلیارد زدها بروز بدهند و جلو این دزدیهای افسارگسیخته را بگیرند که از قدیم گفته اند "از کوزه همان برون تراود که در اوست".
درعین حال تجاوز به حقوق حقه کارگران و زحمت کشان و به زیر علامت سؤال رفتنهای حاکمان به قدری وسعت گرفته که برخی از آیت الله های غنوده در حول تخت

در سالی که گذشت مبارزات کارگران ایران با بیش از ۷ هزار اعتصاب و اعتراض درکسب مطالبات پایمال شده شان درنظام سرمایه داری، که در بخشهای تولیدی برخی ازاین مبارزات اعتصابی چندین بار صورت گرفتند و با سبعیت مذهب- بورژوائی حاکم رو به روشدند و حق کشیهای طبقه کارگر و زحمت کشان مثل سابق ادامه یافتند. درحالی که علاوه بر استثمارگری بی حد و مرز، گند دزدیهای درون حاکمیت به قدری فراگیر شده که سرمایه داران حاکم برای جلوگیری از انفجار به حق توده ها مجبورشدند بعضا

پیرامون پدیده ترامپ و چرائی و چگونگی فراز جنبش مقاومت در مبارزه علیه آن

سیاسی در سراسر جهان منجمله در خود آمریکا در سه ماه گذشته ریاست جمهوری آمریکا نشان میدهد که این انفجار درونی در درون خود رأس نظام(عروج پدیده ترامپ) بروشنی در درون کشورهای مسلط نظام(در کشورهای اروپای اتلاننیک) و درون کشورهای به اصطلاح "متحدین" و "شرکای" آمریکا نیز در حال رشد و گسترش است. بر ما چالشگران و کنشگران ضد نظام جهانی سرمایه است که به بررسی ویژگی

درآمد
امروز با گسترش آشوب به درون شکم خود هیولای نظام جهانی سرمایه(امپریالیسم سه سره) ما شاهد انتخاب دانلد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا هستیم. این ریاست جمهوری با اینکه از طریق یک انتخابات "معمولی" صورت گرفته ولی ما نباید فراموش کنیم که هیتلر نیز در سال ۱۹۳۳ از طریق یک انتخابات "معمولی" به صدر اعظمی آلمان رسید. بررسی فعل و انفعالات

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org